



سندی درباره آئین ملک داری و زن داری در قرن نوزده

پدیدآورنده (ها) : ناطق، هما

علوم اجتماعی :: نشریه مطالعات جامعه شناختی :: دوره قدیم، بهار ۱۳۵۵ - شماره ۵ (ISC)

صفحات : از ۹ تا ۴۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/94214>

تاریخ داندود : ۱۳۰۲/۰۶/۱۳

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- تحولات بافتی تهران در دوره قاجار تغییرات ایجادشده در نحوه قرارگیری خانه ها نسبت به معابر شهری
- دیکسیونر شخصی ناصرالدین شاه قاجار (دفترچه لغت معنی فرانسه)
- آپارتمان نشینی و آشپزخانه در ایران
- نقد و تحلیل کتاب: پرسوناژهای پارادوکسیکال؛ نقد و بررسی نمایشنامه پدر اثر آگوست استریندبرگ
- از واقعگرایی مدرن تا نمادگرایی اکسپرسیونیستی؛ نگاهی به زندگی و آثار یوجین اونیل
- تحلیل ژست در بازی های انیمیشن بر اساس متد میخاییل چخوف
- گفت و گو: نقاشی های فیگوراتیو؛ گفت و گو با استاد صادق تبریزی
- مطالعه ی چگونگی تأثیر یوگا بر مکاتب بازیگری* (با تأکید بر نظرات استانیسلاوسکی، استراسبرگ، کوپو و گروتفسکی)
- مطالعه تطبیقی شیوه های رویکرد دو کارگردان به تئاتر شرق: وسوالد میرهولد، ادوارد گوردن کریگ
- منظر پسااصنعتی، میراث یا متروکه؟ بررسی موردی: کوره های آجرپزی
- گونه های یادکرد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قرآن و روایات تفسیری
- بازتاب مؤلفه های فرهنگ مدرن در مطبوعات عصر قاجار (بررسی روزنامه های وقایع اتفاقیه و اختر)

عناوین مشابه

- واکاوی جامعه‌شناختی سیمای زن در اشعار ملک الشعراء بهار و سید اشرف الدین گلانی
- نگاه مشترک ابن عربی و مولوی (درباره ی منزلت حقیقی زن در خلقت)
- تأملی درباره رابطه میان دین داری و گرایش به جرم و انحراف های اجتماعی مورد مطالعه: شهروندان شهر کاشان در سال ۱۳۸۹
- افغانستان در قرن نوزده - فصل بیست و پنجم
- بررسی تطبیقی سیمای زن در شعر جمیل صدقی زهاوی و ملک الشعراء بهار
- درباره قواعد جمع اسمیه های فارسی در قرن چهارم و پنجم هجری
- اسنادی درباره اجرت کتابت و صحافی در قرن سیزدهم
- تاریخ اندیشه ها و جنبش های سیاسی در قرن بیستم: مارکسیسم و دولت سرمایه داری
- زن در شعر صدقی زهاوی و ملک الشعراء بهار
- تحقیقی درباره موقعیت زن و مرد در اجتماع

سندی درباره

آئین ملك داری، وزن داری در قرن نوزده

سندی که در صفحات زیر منتشر می شود (۱) یکی از جالب ترین اسنادی است که درباره آئین ملك داری و آداب و رسوم خانوادگی در عهد ناصرالدین شاه بدست ما رسیده است . شخصیت عجیب نویسنده ، وسواس و دقت او و هراس او از " شرور الناس " نیز از این جهت براهمیت سند می افزاید که صاحب سند در راه حفظ منافع اقتصادی و طبقاتی خویش می کوشد هر خطری را پیش بینی کند و از یادآوری هیچ نکته ای فرو گذاری ننماید و از این رو در زمینه اقتصاد کشاورزی ، آداب و رسوم اجتماعی و روابط انسانی ، اطلاعات ارزنده ای در اختیار ما می گذارد .

گرچه نویسنده از خود نامی نمی برد لیکن از محتوای متن که در صفر ۱۲۹۴ (فوریه ۱۸۷۶ میلادی) و در راه مشهد به تهران نوشته شده است چنین برمی آید که وی پسر بزرگ میرزا سعید خان موتمن الملک وزیر امور خارجه بوده که از سال ۱۲۹۱ الی ۱۲۹۷ (۱۸۷۳ - ۱۸۷۹ میلادی) در عهد صدارت میرزا حسین خان سپهسالار، متولی باشی امور آستانه بوده

(۱) - این سند از تبریز و از کتابخانه شخصی آقای دکتر عباس نخجوانی برای دکتر ابراهیم باستانی پاریزی فرستاده شده بود . ایشان لطف کردند و کتابچه مذکور را در اختیار من نهادند و امیدوارم تشکرات مرا نیز بپذیرند . همچنین از آقای دکتر اصغر مهدوی سیاستگزارم که مرایاری دادند و از سفر مشهد اطلاعات تازه ای درباره سند و نویسنده سند به ارمغان آوردند ، زیارتشان قبول . در ضمن از استاد محمود فرخ و آقای عبدالحمید مولوی که توسط آقای دکتر مهدوی در شناساندن اشخاص و نیز امکنه و اصطلاحات محلی به من کمک کردند متشکرم .

است. از آنجاکه نویسنده در مورد میرزا سعید خان همواره لفظ " خداوندگاری " به مفهوم پدررابه کار می برد و زن و فرزند را گاه گاه به نزد او می فرستد و در برخی مشکلات از او چاره جوئی می کند و قسمتی از امور آستانه را به عهده دارد چنین به نظر می رسد که وی مصطفی خان پسر بزرگ میرزا سعید خان باشد که در کارهای متولی باشی کمک می کرده و در امور آستانه دخالت داشته و بعد از اینکه پدرش را به تهران احضار می کنند ، یکسال در مشهد می ماند و همچنان به مسئولیت های قبلی خویش ادامه می دهد . یادگاری که از او برجای مانده دارالشفا واقع در بالا خیابان مشهد است که امروز " بنگاه رازی " است .

نویسنده از موقعیت اجتماعی برگزیده ای بر خوردار است مواجب اواز دیوان پانصد تومان و از آستان قدس یکصد و چهل تومان و چهل خروار غله است . علاوه بر امور آستانه مستاجر دهی است بنام گودسلوک که در جنوب شرقی مشهد قرار داشت و امروز متصل به شهر است . همچنین باغ آصف الدوله و سالار نیز در اجاره اوست . این دو باغ هم امروز بیکدیگر متصل شده و از وسط آن خیابان شاهرضا می گذرد و اداره آستانه کنونی نیز در وسط همین باغ است .

علت نوشتن کتابچه محرمانه این است که نویسنده در ماه صفر ۱۲۹۴ هجری (۱۸۷۶ میلادی) مدتی کوتاه که ظاهرا " بیش از دو ماه نبوده جهت بردن خلعت از جانب میرزا سعید خان عازم دارالخلافه می شود و در نتیجه امور خود را چه در آستانه و چه در باغها و همچنین مسئولیت فرزند و اهل و عیال اندرون را به عمه زاده خویش میرزا علیخان می سپارد و برای او سفارش های لازم را با وسواس و دقت و دلبهره خاصی می نگارد و برای هر یک از این امور فصلی جداگانه اختصاص می دهد .

سند مزبور قبل از هر چیز دیگر ، افسانه رایج آن ملک داری را که در شهر دور از چشم روستائی و باغبان براحتمی گذراند و امور خود را به دست مباشر و کدخدا می سپارد و گاه نام ملکران نیز به یاد نمی آورد بکلی از میان بر می دارد . نویسنده ما زمینهای اجاره شده خود را و جب به جب می شناسد و می داند در هر گوشه آن چه بکارد چه برداشت کند و به چه بهائی بفروشد تا زیان نبرد و سود بردارد . اسامی میرزا بنویسها، باغبانها و باغتره کارها و دیگران را ، یک به یک برای جانشین خود بر می شمارد و گاه گاه هشدار می دهد .

از نظر کشاورزی هیچ چیز نیست که در این سند نیامده باشد ؛ از قبیل کشت گندم جو ، یونجه ، برداشتن علف (قیمت گذاری ، طرز بارکردن و مقدار بار آن) ، کشت خشخاش (تیغ زدن ، خرمن کردن ، طرز استفاده از چوب و آبیاری آن) ، کشت باقلا ، فروش باقلای

سبزوخشک، گل سرخ، بیدمشک، ایجاد کدو خانه، برداشت محصول از درختان میوه، تکاندن گوجه و جفاله و زردآلو، مسئله خرید و فروش آب، حق الشرب باغهای دیگران، قنات و تعمیرات آن، نگهداری یخچال، اجاره انبار، آوردن بقال و طبیب کش، رابطه با بازارهای شهر، و همچنین درباره حق رعیت و مالک و مستأجر از محصول اطلاعات تازه‌ای بدست میدهد. در باره اداره و مدیریت املاک، نویسنده که خود "مستوفی" دقیق و واردیست فن مستوفی گری را به جانشین خود نیز میآموزد و از او میخواهد که "نویسنده موجب خور" هم استخدام کند، میرزا بنویس بیایرد و وقایع اتفاقیه داخلی و خارجی و امور آستانه و رویدادهای شهر را روزانه بنویسد. در مورد دفاتر دخل و خرج و قبوض و بروات و تنخواه گردان و غیره دستوره‌های دقیقی میدهد.

برای او باغ از هرگونه جنبه شاعرانه تهی است از گل و بلبل و داستانهای هزار و یکشبی خبری نیست. حتی "بوئیدن گل" نیز مجازات دارد و هر نوگل خندانی با چشم حسود چمنی همراه است. از این رو ملک دار ما همواره در ترس و وحشت از دیگران بسر می برد. دردیدگان او همه خلاف کارند مگر خلافتش ثابت شود. همه در پی اینند که منافع اقتصادی و طبقاتی او را به خطر بیندازند. از این رو در همه جا استخدام "مامور" و "حاسوس" را توصیه میکند و تنها در این زمینه است که تخيلات او اوج میگیرد و به شعر می گراید.

دزدیهای ممکن زن های همسایه، باغبانها، میراخورها، مقنی ها، رعیت ها، گداها، و عارضین را در نظر خواننده اش مجسم می کند. مقنی ممکن است در ته چاه بجای کار "شپش کشی" کند یا مثلاً "باغبان و میراخور آب را گاه بگاہ بخانه خود ببرند، باید دیگران بفروشند و بعد" هم بگویند آب در باغ بود، رعیت هم که "دزدیهای فراوان دارد"، دانه و گاه را به هم مخلوط میکند، محصول را در گودال ها پنهان می نماید یا شبانه خشخاش را تیغ میزند. حتی گل سرخ هم دزد دارد" و "دزد بگیر" ها همواره باید گوش بزننگ باشند، زندهای همسایه هم شبانه از بالای پشت بام ها سر شاخه ها را لخت می کنند و کوله بار می بندند. گداها هم که به محصول "ناخنک" می زنند برخی از روی قصیل و علف باغ راه میروند. "اهل مطبخ هم" ظروف را می شکنند یا بی عیب بر نمی گردانند. همه اینها جریمه و غرامت دارد. نویسنده از سوار و شاهسون و گاو و گوسفند و سگ هم چندان دل خوشی ندارد و گاه حکم "قتل" سگ ها را نیز صادر می نماید و در هر حال این املاک و این پول ها آرامش را روان او سلب میکنند.

تنها احساس انسانی نویسنده در مورد فرزند شیرخوارش رضا قلیخان است که او را، "آقا کوچولو" مینامد. تنها برای او است که نذر و دعا دارد و صدقه میدهد، روضه خوان

صدامیزند حکیم باشی میاورد ، دستور خرید رختهای الوان میدهد، سواره و پیاده بگردش می‌فرستد ، برایش الاغ می‌خرد و می‌ترسد که مبادا طفل شیش بگذارد ، بسوزد ، غصه بخورد ، یا کنیز و کلفت با او جنگ کند و باو تشر بزند و روح و جان نویسنده رامشوس سازد و اذیت و آزار رساند . در نتیجه ناز و نوازش رضاقلی خان از الزام الزامات است .

شاید گویاترین فصل یادداشت آخرین فصل آن باشد که سخن از نگهداری و اداره " اندرون " می‌رود ، زندانی که درش بروی همگان بسته است و اشباحی کرم مانند در آن می‌لولند . در پیرامون آن گاه گاهی بابائی پیر یا باغبانی در حرکتند تا هم چنانکه از املاک و درختان و علف و خرمن نگهداری می‌کنند از آبروی خانوادگی او نیز حمایت کنند . نویسنده در " عصمت و عفت " انسانهای خیالی حرم بیش از تعقیب دزدان خیالی باغ اصرار می‌ورزد . خوش ندارد که صدای حرف و " خنده و آواز " آنان بگوش برسد ، یا خدای نکرده " از اندرون پا به بیرون بگذارند و " بگردش و هواخوری " در باغ بروند یا از روی دیوار و بالای بام بازنهای همسایه به گفتگو و اختلاط بپردازند یا فرزند دل‌بند و " آقا کوچولوی " او را در آغوش بکشند و بیوسند . مادر طفل هم حق بازی دادن طفل را ندارد . با این حال برای خوش آیند او و دور از نگاه زنها باغبان باشی باید باغچه‌های اندرون را بیاراید و گل سرخ و نسترن و مخطلی بکارد . لیکن تماشای باغ و باغچه برای زن با حفظ ناموس خانوادگی مغایر است شاید نویسنده از این در هراس است که زنها و نیز همانند آن شاعره قرون پیشین خیال باغ را با خیالات دیگر در هم آمیزند و بسرایند :

روم بباغ و زنگس دو دیده وام کنم

که تا نظاره آن سرو خوشخرا م کنم

او درباره زندانبان خویش همانند آن اسیر بگویند :

ترسم آزاد نسازد ز قفس صیاد م

آنقدر تا که ره باغ رود از یاد م

از همین روست که نویسنده ما هم چنانکه در ده و باغ ها مامور و جاسوس و دزدبگیر ، می‌گمارد ، در اندرون نیز مستحفظ و کشیک چی دارد تا اگر خطاهائی از زنها سرزد ، با پای پیر " چوب و جوال " را حاضر کند و " پوست از سرشان بکند " . تنها در مورد لباس و پوشاک و خورد و خوراک است که این همسر نمونه دریغ و مضایقه ندارد و بقول خودش " تنگی " نمی‌دهد . فهرست غذائی که برای بیرونی تدوین میکند تقریباً همان است که برای اندرون ، می‌فرستد و از بابت حنا و سکنجبین و شمع و غیره زنها را در مضیقه نمی‌گذارد ، نزدیک عیدهم دستور خریداری لباس های نو میدهد و متذکر میشود که " از جنس اعلا " باشد و

خواننده را باز بیاد شعری دیگر از شاعرهای دیگر می اندازد که خوش میسرود و میگفت .
 درخانه تو آنچه مرا شاید نیست بندی زدل رمیده بگشاید نیست
 گوئی همه چیز دارم از مال و منال آری همه هست آنچه میباید نیست
 در هر حال سند مزبور ، گرچه معلوم نیست که تا چه حد جنبه عمومی داشته باشد
 و تا چه اندازه با خصوصیت های اخلاقی همه ملک داران قرن پیشین وفق دهد ، باز خالی از
 ارزش نیست . شخصیت نویسنده گرچه دوست نداشتنی لیک جالب است . زیرا که او تمایلات
 و منافع خویش را با صراحت خاصی بیان میکند و از فنون مدیریت و اربابی و استثمار نیک
 آگاه است و خود را غیر آنچه هست نمی نمایاند زیر دستانش نیز چنانکه از متن برمیاید به
 موقعیت زیر دست بودن و بردگی تن در داده اند و با ارباب خویش در یک نوع رابطه عدم
 اعتماد و کلاه برداری متقابل بسر میبرند. زنهایش هم خوشبختانه هنوز ادعای برابری و
 برادری با مرد را ندارند یا اگر دارند صدایشان از اندرون به بیرون نمی پیچد .

یادداشتی است که محرمانه بجهت مقرب
 الحضرة الخاقانیه برادر مکرم میرزا علیخان
 عمه زاده حفظ الله مقامی من شرو والناس
 نوشته میشود .

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

چون به تقدیرات حضرت سبحانی جلت عظمته و اراده خاطر مبارک ولی نعمت حقیقی
 حضرت فیض آثار روحنا و ارواح العالمین فداه ، بر حسب اشاره علیه جناب مستطاب اجل
 امجد اکرم و خداوند گاری وزیر دام اقباله العالی ، در ماه صفر المظفر سیجان ثیل ۱۲۹۴
 این خانه زاد آستان ملایک یاسان مامور دارالخلافه الباهره و حامل خلعت مهر طلعت
 آستانه مبارکه عرش نشانه است ، با اینکه عواقب جمیع امور ذره ای از اراده و مشیت
 الهی خارج نیست ، متوکلا " علی الله باقتضای یشریت و اشاره عقل خداداد مختصری
 یادداشت مانند در این کتابچه مینگارده که در غیاب من دستور العمل کسان و مخصوصین خودم
 باشد . انشاء الله تعالی فرج و گشایش و یشرفتم امور با خداوند اعلی عزاسمه و توجه
 باطنی ائمه هدی و سلطان السلاطین حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و التناست
 " افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد و من یتق الله يجعل له مخرجا " و برزقه من حیث
 لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شیئی قدرا
 وصل الله علی محمد و آل الطیبین الطاهرین المعصومین المکرمین اجمعین و بعد ،
 امور این بنده روسیاه از پنج قسم خارج نیست . اولاً " با احترام آستانه مقدسه خدمت

مرجوعه از طرف قرین الشرف آستان قدس است . ثانياً " عمل گود سلوک است . ثالثاً " باغ آصف الدوله و سالار است ، رابعاً " امور فرزندی رضا قليخان است ، خامساً " امور نوکرهاى بيرون و عيال اندرون است و وضع اداره هر يك از اينها .
آقای من ميرزا عليخان قربانت شوم ،

حالا بعد از فضل خداوند در سايه مبارکه جناب مستطاب اجل خداوند گاری روحی فداه بهتر از شما و نزديکتر و دلسوزتر از شما کسی ندارم و اميدوارم که انشاء الله تعالى شب و روز آرام نگيريد و نکته‌های از نکات و دقیقه‌های از دقائق امورا متروک و مهمل و غير معتنابه نگذاريد . آقا جان دنيا اعتباری ندارد و زحمت دوست بدوست و قوم به قوم هم همه وقت نيست . گاهی اتفاق است می افتد و حالا موقع شما در مهربانی به من اين وقت است تا بعد از اين خداوند چه موقع تلافی بمن در حق شما بدهد و اميدوارم که بهتر از اوقاتی که خودم به امور خود ميرسيدم اين امور بخوبی و درستی و نظم اداره شود و هيچ افسوسى برای بعد نماند از شما هم جز استعانت از حضرت عليه السلام و مراقبت و مواظبت هرآن و ساعت چیزی ، متوقع و دستگیر نيست ، حالا ميرويم سر مطلب .

اول در امور راجعه بخدمت نيابت خاصه شريفه است . آن برادر مکرم همه روزه در بالا خانه کلاه فرنگی باغ حاضر شده در آنجا خواهد نشست ، قهوه چي و آبدار ، جای قهوه و غلیان خواهند داد ، وقت نهار (۲) نهار ، وقت چراغ ، چراغ وقت شام ، شام داده ميشود نوکرهائی که بعد اسامی برده خواهد شد همگی از طلوع الی افول و بعد اهالی کشیک نوکرها در شب حاضر خواهند بود . عالیجناب ميرزا عبدالرحمن (۳) و شيخ حسن و ميرزا احسینقلی و ميرزا اسمعیل هر روزه بلاطفره حاضر ميشوند ، هر کدام که غفلتی کردند فراش به حکم احضار بياورد که کارها رسيدگی شود و باعتضاد يکديگر انشاء الله جزئی از اجزاء کار رامبهم و متروک نگذاريد ، و اگر در امری از امور محتاج بعرض حضور مبارک جناب مستطاب اجل امجد اکرم خداوندگار معظم روحی فداه باشد بعرض برسانيد و اگر بايد اعانت و تقويت از مخاديم عظام عمال آستان قدس و اجزاء آستانه مقدسه و نوکرهای جناب مستطاب معظم روحی فداه جست با آنها اظهار و استمداد بجوئيد بطوریکه کار امروز به فردا نماند و سنگینی بار ببار ديگر وارد نيابد و ارباب رجوع سرخورده از منزل نيابت توليت مراجعت ننموده بدریخانه مرکزی نروند .

۲ - چنين است و ناهار درست است .

۳ - ظاهراً " ميرزا عبدالرحمن شيرازی مدرس اول آستان قدس پسر ميرزا نصرالله شيرازی است

حاجی محمد عزب دفتر جمیع بروات و اسناد اجارات را باید بیاورد عالیجاه میرزا حسینقلی و میرزا اسمعیل ثبت نماید . ثبت را مرتباً " در دفتر بگذارید و بروات و غیره را بخط خودتان خط بگذارید و بعد به مهر من که در حضور مبارک در کیسه بند ثبت مبارک است مهر شود اگر عزب دفتر غفلت و تسامح و بی اطاعتی نماید اولاً " به پیغام و گفتن به خودش والا به اظهار به مقرب الحضرت التولیه برادر مکرم مهربان میرزا شفیع اعتماد التولیه (۴) والا به عرض به حضور مبارک او را مجبور به این کار نمائید که حق نیابت خاصه از میان نرود عملی ناقص نماند .

عرایض اموات و قطع و فصل آنها از لوازم کار شماست . اولاً " باید حاجی تقی و دیگران ، حق الارض به شما اظهار نمایند و بعد به تصدیق جنابان سرکشیکان عظام عریضه نوشته شود و بخط شما حکم مرقوم گردد بعد به مهر مبارک برسد بعد از آن به ثبت دفتری شما برسد ، آنوقت دفن نمائید . شما اگر میتی از قلم شما در برود حق دارید که بحضور مبارک عرض و تظلم نمائید و حکم صادر کنید که مباشرین دفن اموات به غیر اینطور نتوانند حرکتی نمایند و از هر میتی هزار دینار نقد در صحنین مقدسین و غیره و دو هزار دینار نقد در عمارات متبرکات حق التحریر محرر است که باید بالسویه تقسیم نمایند . قرار حق الارض این است که تا ممکن است در ازدیادش بکوشید الی ماشاء الله و کمال سعی و اهتمام را بعمل بیاورید والا از این قرار موافق قرار داد واقفین رضوان الله علیهم اجمعین کمتر نباشد مگر بحکم و دستخط صریح شخص تولیت جلیله روحنا و ارواح مثلنا فاده .

حرم محترم	۱۰۰۰ تومان
دارالحفاظ	" ۳۰۰
راهروکشیک خانه	" ۱۵۰
توحید خانه	" ۲۵۰
دارالسعادت	" ۱۵۰
ایوان طلای نادری	" ۸۰
پیش فزای ایوان	" ۵۰
ایوان طلای ناصری	" ۵۰
صحن جدید به سمت عمارات	" ۱۰
صحن جدید آن سمت سقاخانه	" ۱۰

۴ - میرزا شفیع اعتماد التولیه قزوینی وزیر اول آستان قدس . لقب او تغییری نکرد و شخص مقتدری بود .

تومان	۲۵	مدرسه علینقی میرزا
"	۱۵	پیش فزای گنبد اللهوردیخان
	۳۰	صحن عقیق سمت ایوان و پنجره فولادی
"	۲۵	ایضا سمت کشیکخانه و بازار
"	۱۵	ایضا سمت ایوان عباسی
"	۵	مدرسه میرزا تاج
"	۳	درب صحن عتیق خیابان علیا
"	۲	درب صحن جدید خیابان سفلا
"	۱۰	مقبره شیخ بها علیه الرحمه
"	۵	بازار ضرابخانه
"	۳۰	طاقهای صحن عتیق سمت راست
"	۱۰	ایضا سمت ایوان عباسی
"	۵	طاقهای صحن جدید
"	۵۰	گنبد درب ایوان ناصری
"	۵۰	گنبد اللهوردیخان
"	۱۰۰	راه روسقاخانه
"	۱۰	درب بازار بزرگ داخل بازار
"	۲۵	درب اطاق میرزا جعفر حکیم (۵)

روزنامه جمیع بیوتات آستانه مقدسه را که روزی شانزده فرداست چنانچه عالیجناب میرزا محمد صادق خانسالار نزد من میاورد باید مواظبت و مراقبت نمائید هر روزه نزد شما بیاورند، بدقت ملاحظه نمائید اگر اتفاق تازه دارد که محتاج بصدور حکم است از قبیل حاضر و غایب و نزاع و مستی و مقصر و بی اجازه خارج رو که مستحق عزل است و بی نظمی بیتی از بیوتات مبارکه بعرض حضور مبارک حضرت اجل اعظم روحی فداه میرسانید حکمش را صادر کرده خودتان به موقع اجری میگذارید و الا ماه بماه بیت به بیت با عالیجاه میرزا حسینقلی و غیره مرتب کرده در بالاخانه دفتر می کنید و هر روز دو طغری روزنامه انتفایه هم روزنامه تفاق

۵ - مقصود میرزا جعفر طبیب است اسناد صدرالاطباء در مورد اسامی امکنه دیگر رجوع شود به اعتماد السلطنه محمد حسن خان ، "مطلع الشمس" چاپ سنگی ، ۱۳۰۱ ، جلد دوم (کتاب مزبور تاریخ بنای هریک از این اماکن را نیز به تفصیل داراست) .

داخلی و روزنامه اتفاقی خارجی که عبارت از خارج بست مقدس و املاک دور نزدیک آستانه مقدسه و وقایع راجعه به منسوبین آستانه مقدسه و غیره و غیره باشد باید ضمیمه ، این روزنامه‌ها شود و عالیجناب میرزا اسمعیل پسر عالیجناب فضایل مآب آخوند ملا عبدالوهاب معین الفقرا و میرزا محمد صادق از روی دقت و واقع و حقیقت بنویسند با روزنامه های مستمره بیاورند و اگر از کسی در باب روزنامه اخلاقی بتوسط میرزا محمد صادق یا غیر بشود فوراً " بعرض حضور مبارک میرسانید که به مقام رفع و اصلاح او برآیند که این حق از میانه نرود و لغو و مهمل نشود روزنامه های جمع شده هم باید ماه به ماه در کمال سلیقه ترتیب شود .

در ضمن روزنامه ها اگر پیشکشی بآستانه مقدسه بیاورند باید قبوض عالیجنابان میرزا ابوالحسن تحویلدار خاصه و ملا ابوالقاسم کتابدار (۶) و صاحب جمع شماعانه مبارکه و تحویلی روسای بیوتات مبارکه رامیرزا محمد صادق نزد شما بیاورد با اصل روزنامه تطبیق کند در نزد خودتان جای معتبری جمع نمائید . آخر هر ماهی به مقرب الحضرة التولیه برادر مکرّم مهربان اعتماد التولیه وقفه الله تعالی تسلیم کرده فهرست صحیح جامع مفصلی پا به مهر دریافت کرده ، ضبط نمائید و از اعتماد التولیه خواهش نمائید از غیر شما از دیگری قبض قبول نمایند و بفرمایند قبوض را نزد شما بیاورند لدی الاقتضا علت تزلزل این کار هم به عرض برسانید و عوض قبوض را که باید به مهر مبارک رسیده به صاحبان پیشکش ها داده شود بخط خودتان بنویسید، به میرزا محمد صادق بدهید به مهر اجل روحی فداه برساند انشا الله تعالی .

عالیجناب سیادتآب میرزا حسین کشیک نویس و عالیجناب میرزا هدایت کشیک نویس و عالی حضرت ملا محمد رضای پیشخدمت باشی را اغلب ملاقات نماید از حالات یومیه و پنج کشیک آستانه مقدسه اطلاع و بصیرت تام و تمام حاصل کرده ضروریات را با آنها همراه ببرید بعرض حضور مبارک برسانید احکام راجعه به تمام کشیکهای خمسرا خودتان بنویسید و خودتان صادر نمائید .

اهل آستانه مبارکه که مسافرت خواهند کرد اعالی و ادانی کشیک نویسان عرایض مرخصی را نزد شما بیاورند احکام بنویسید به مهر مبارک برسانید ثبت بردارید بعد به صاحبان آنها و کشیک نویسان بدهید .

در هر جا از فرامین مقدسه و بروات مبارکه و احکام علیه و احکام مناصب و غیره را که راتبه من بوده می نوشتم، به همانطور باید بنویسید و نگذارید که متروک شود با وسایل

۶ - اولادش اکنون خانواده " کتابداری " هستند .

و اسباب کار حالت تزلزل او را به عرض برسانید و منع تزلزل کنید .

مراقبت نمائید عارضین و اهل مطالب را کسان شامدالالت بشما کنند، مطالب و عرایض آنها را فهرست نمائید و خودتان بلاواسطه بعرض حضور مبارک برسانید و عمل آنها را قطع نمائید . امریکه با بودن شما مداخله غیري لازم باشد از اهل مناصب جلیله و اهل دربخانه و نوکرها با عرض حضور مبارک مداخله بدهید و با خودتان همدست نمائید . خاصه برادر مکرم اعتمادالتولیه را مجلس و اجلاسی که بشود در منزل من و حضور شما و اجزای لازم اسباب فراهم بیاورید که متروک نماند چنانچه با بودن من مجالس از قبیل امرجناب میرزا عبدالجواد سرکشیک و دعاوی خادم باشی اول و غیره که شما دیده‌اید تشکیل شده است و دیده‌اید که از درایت خاصه من است .

در وقت تعمیرات و بنائى قبل از صبح و حواله مبارکه، تصحیح و رسیدگی روزنامه، هر روزه مخارج با من است که بعد از مهر ظهر صبحه به مهر من از نظر مبارک میگذشت و دستخط میشد البته عالیجاه امیرآخور نمیگذارد این اختصاص از میان برود و شمارایی اطلاع نمی‌گرداند شما هم از مراقبت و عرض و اصرار در صورت بی‌اعتنائی مباشرین مضایقه نخواهید کرد و خود را بی اطلاع نمی‌خواهید که اسم من یکی از خاطرها محو شود .

روزهای شنبه و چهارشنبه که دفتر است و سایر روزهای محاسبات متفرقه محرر همراه میبرید و باید مشرف باشید حکماً " و از مجالس و دفترخانه مبارک دور و بی نصیب نمانید که غیاب من بخلاف اوقات حضور من است در دفتر قدس من و محرر من حق حضور و محل جلوس و حق اطلاع و عرض مطالب داریم .

چنانچه من بآستانه مشرف میشدم در کشیک خانه مبارکه و غیره بیتوته میکردم کار را بخود جلب میکردم از تکالیف خاصه لازمه شما است که بهیچ وجه غفلتی نمائید عقل شما انشاء الله تعالی در مقابل تدابیر و اسباب چینی این مخلوق میتواند مقابله نماید .

هر روز هم بعلاوه تکالیف وقت بی وقت باید باتصال در اطراف حضرت اجل امجد اکرم روحی فداه باشید . خاصه ماهی دو مرتبه چایارها را همین طورها که من راه می‌انداختم راه بیندازید در کمال سلیقه و نوشتجات اصل و سواد اجوبه خودتان را مرتباً " در دستمال کاغذ ها ثبت و ضبط نمائید و دفتر علیحده بکنید .

روزنامه وقایع شخصی خودتان را روز بروز مفصلاً " کتابچه و یادداشت نمائید که تاریخ مانند در این مدت غیاب من از هر بابت نوشته شود و محرمانه بماند .

گوش بزرگ جنابان علماء اعلام و منسوبین آستانه مبارکه هم باشید و مواظب احوال این مردم در نبودن من باشید بلکه اطلاعات هر روزه را بطور ایجاز متعلق بمن محرمانه

کتابچه و یادداشت فرمائید .

رسیدگی به جزئیات هر امری و امر و نهی و رتق و فتقی که من داشتم دور نیست درباره شما قوت نگیرد و اسباب حرف شود. این مردم خوش فطرت اسباب چینی نمایند خودتان بتوانید به تدابیر خودی داخل نمائید در هر نیت و هر امری به نیابت من مداخله و مردم را روبه خود و روبمن نمائید . البته خیلی خیلی خوب است و مایه امیدواری من و الافلا . این مطلب خیلی محرمانه است .

گود سلوک

سالی به دو بیست و چهل و پنج تومان نقد و شصت و شش خروار و شصت و شش من جو و سی و سه خروار و سی و سه من گندم و پنج خروار منداب و دوازده خروار گاه اجاره شده است . مخارج قنات بهر اسم و رسم که باشد با مستاجر است اما جیلو به عهده امنای آستانه مقدسه است . مالیات دیوانی هم با آستانه مقدسه است بهر اسم و رسم که بوده باشد .

گود سلوک امساله سیچقان ثیل هشت زوج گاو و عوامل دارد ، یک داروغه که کربلائی حسن باشد ولیکن از داروغگی معزول بود مجدداً " که بر قرارش کردم ضابطه مزبور و باغ آصف الدوله و سالارشد . دو نفر سرسالار دارد یکی کربلائی حاجی و دیگری ملا صالح . ده نفر سالار دارد ، ده نفر دهقان یک نفر دشتبان . هر سالی هم ده بیست نفر باغتره کار ، هفت هشت ده نفر تریاک کار و مستاجر یخچال و مستاجر یونجه که خراسانی سببش میگوید دارد . اسامی باغتره کار امساله و تریاک کار را جناب میرزا عبدالرحمن مدرس میداند . قریب سی چهل نفر هم باغدار دارد که عالیشان میرزا بیک همه را می شناسد .

اگر حرفی ، ادعائی ، نزاعی بین رعیت و زارع و غیره اتفاق بیفتد محاکمه و قطع و فصل عمل آن باشما است . دیگری حق مداخله ندارد . الا باغدارها که جماعت متفرقه میباشند از قبیل خدام و فراش و زیارت نامه خوان و اصناف ، اگر فراش و محصل دیوان متعرض این حضرات بشود نگاهداری و حفظ آنها و جواب دیوان با شما است اگر چه با عرض حضور مبارک حضرت اجل روحی فداه باشد و اگر آنها هم یعنی رعیت گود سلوک بی اطلاع شما امر خود را بدیوان یا دیگری رجوع نمایند برای شما حق خواهد بود که آن فضول را تنبیه و جریمه و طرد و منع و از قریه متعلقات گود سلوک ، نفی نمائید . از این فقره قبل از وقت ابلاغ به ریش سفیدهای ده لازم است .

یک ماه به عید نوروز مانده باید علف جو و گندم گود سلوک را چراند تا اول تحویل ، حمل و بعد متعرض نشده تا علف نمو کند و به مقام خوشه و حاصل برسد اقلاً " یکصد تومان

باید علف پولی جمع و تحویل میرزا بیک گردد . روزی هر قدر گوسفند بیشتر از اطراف ، آورده در قریه به چرانند بهتر است . باید از قیمت علف چردها اطراف شهر درست اطلاع داشته باشید که به شما کمتر حساب نکنند و این معنی اسباب مداخل میرزا بیک و سرسالارها و مباشرین نشود . هر روز باختلاف آدمها پنهان و آشکار ، باید آدمهای شما برود گوسفندی که درده می چرند بدرستی بشمارد در روزنامه صبح بیاورد عصره عصر قبض رسید و جوه علف چر را از میرزا بیک که وجوه جمع او خواهد بود گرفته ضبط و در جعبه حفظ نمائید که در وقت محاسبه سند ابواب جمعی میرزا بیک بشود و از آن قرار سند خرج در وقت محاسبه از او بخواهیم ، انشاء الله تعالی .

حق الشرب ، باغات گود سلوک از ماه دوم بهار باید حواله شود موافق قرار نامه حق الشرب که معین خواهد شد ثلث کل از حق الشرب را حواله و جمع میرزا بیک نموده قبض رسید معتبر از او دریافت کرده ضبط نمائید و اعلام نمائید که اگر باغدار یک دینار بدون سند حواله بکسی از بابت حق الشرب بدهد قبول نخواهد شد و به محاسبه نخواهد آمد . ماه اول تابستان هم موعده حواله قسط ثانی حق الشرب است که ثلث از کل باشد و ماه آخر تابستان هم موعده حواله قسط ثالث که تمام حق الشرب مؤدی گردد قدر حق الشرب موافق بازدید و تشخیص جریبانه یکصد و هفتاد و چهار تومان و شش هزار و خورده معین شده است . از قرار جریبی دو تومان و دو هزار دینار . هر کس از این قرار تنخواه حق الشرب را ندهد نباید مثقالی آن باغ آب داد . برق و راه آب آن باغ را هم ضابط ده و سرسالارها باید مهر و کور و خراب نمایند هر کس که پول داد بیباغش آب داده شود . موعده هر قسطی وقت دادن آب است و هر قدر آب را باین مصارف کمتر برسانند در بیابان بحاصل و باغتره آب را ببرند بهتر است .

رعیت نصف از کل جمع علف چر را حق دارد و لیکن آخر محاسبه عملکرد ده و تفریق حساب نقدی و جنسی بارعایا داده خواهد شد عجالتا " تمام تنخواه جمع میرزا بیک است و او باید به عالیجهان تحویلداران آستانه عرش نشانه تسلیم کرده قبض تحویلدارگی گرفته برای سند خود ضبط نماید و در وقت محاسبه بخرج خود بدهد .

قنات گود سلوک آبش کم است و باید موافق قرار داد با آستانه عرش در حد یکصد و پنجاه تومان در قنات لای رویی و خرج نمائیم که آب قنات انشاء الله زیاد شود و ما محتاج به ، آب خری نشویم پولی که به مردم باید داد در خود قنات خرج کنیم قنات را آباد و دایر نمائیم بهتر است از خریداری آب . محتمل است که ممکن نشود آبی خریده شود آنوقت حاصل و باغتره از بی آبی خشک بشود باغدارها هم بشکایت و حرف بیایند و مبالغی از

اطراف ضرر بخودمان و رعیت بیچاره وارد آید خدا نکرده .
در قنات روزی دودست چرخ کارشود انشاء الله تعالی که از شکافته قنات شروع نمایند ،
و تا مادر چاه و چاه آخری برسانند میرزا بیک و سرسالارها و ضابطه بایده علی الاتصال
مواظب حالت مقنی باشند که مقنی بیکار نماند و در زیر چاه شیش کشی نکند و کرایلی (۷)
نخواند و پول مفت نگیرد . اگر مقنی برود و زود زود و به سلیقه و پاک کاری کاری از پیش
نبرد حضرات و حمله مقصرد و حکما " باید قیمت چرخ را اینها بدهند .

بعلاوه مباشرین روزی یک نفر ماورومحصل امین درست حسابی لازم است که برود سرکشی
از مقنی بکند و محصلی نماید و روزنامه و خبر صحیح از کار مقنی بیاورد که هر ساعت اطلاع
تازه از قنات داشته باشید .

عصر به عصر باید روزنامه مانند به مهر عالیشان حاجی رجب مقنی باشی آستانه مبارکه
قبض معتبر بیاورند و در حاشیه قبض از قرار اطلاعاتی که تحصیل خواهید کرد تصدیق و حواله
بنویسید میرزا بیک آن قبض را ضبط کرده فوراً " از ابواب جمعی خود تنخواه مقنی را به حاجی
رجب بدهد . که یک روز تنخواه مقنی عقب نیفتد و باعث تعویق کار و لنگ شدن کار فردا
نشود و اگر با این حال حاجی رجب کار را لنگ کند شکایت به حضرت اجل اکرم روحی فداه
خواهید کرد .

اگر حاجی رجب اظهار نماید که در قنات گلو (۸) لازم است آدم امین میفرستید ، محل
گلو را در زیر چاه برای العین ملاحظه مینماید و در صورت صدق و لزوم هر قدر گلو که لازم
است در کمال صرفه و قیمت عادلانه خریداری کرده تحویل حاجی رجب میدهد بعد از کار کردن
در محل گلو ، آدم امین رفته تحویل خواهد گرفت آنوقت همان عدد و آنقدر گلو را برات به
مهر مهر آثار مبارک صادر کرده تنخواه او را از عالیجاهان تحویلداران آستان قدس نقد
دریافت کرده تحویل میرزا دائی خواهید داد ، قبض معتبر دریافت کرده داخل قبوض حفظ
و ضبط خواهید نمود در هر حال کار مقنی نباید معطل شود قبض گلو از حاجی رجب باید
در کمال اعتبار گرفته شود .

خود شما هم اغلب از اصطبل ، اسب گرفته سوار شده باید بیرون بروید و خودتان به
فرد فرد این کارها رسیدگی نمائید دو سه نفر هم آدم پیاده و سواره باید در رفتن بیرون
با شما همراه باشند .

باید ملاحظه نمایند که وقت درو بیونجه گود سلوک چه وقت است به محض اینکه موقع ،

۷- در تداول اصفهان کر اوغلی خواندن به معنی رجز خواندن و جواب سربالادادن است .
۸- تنبوشه مانند از گل پخته که در قنات برای ممانعت ریزش بکار می برند .

در رسیدن مشهدی فتحعلی و باغبان را خبر کنید اسباب کارش را ببرد آدم امینی هم همراه کنید که دو روز سه روز باتصال بروند یونجه را درو نمایند بار کنند بیاورند شهر بفروشند همینکه فارغ از چین یونجه ده شدند خودتان مواظبت نمائید سرسالار فوراً به یونجه آب بدهد تا نمو کرده درو دیگر را زود برساند .

بارالاهی یونجه که از یونجه زار می بندند و حمل می نمایند باید سی من تبریز بیشتر نباشد و لیکن عمله درو و مباشر چیدن در این فقره تغلب خواهد کرد باید علی الغله در هر دروی باری را دزد بگیر کرده چنان بزنید صدق و کذب حضرات را معلوم نماید و در صورت تفاوت همه را به همان معیار یا یونجه چین محسوب دارید .

قیمت یونجه را هر روزه باید خودتان از امکانه متعدده و دکاکین عدیده معین نمائید و اشتباهی در نرخ آن روز برای شما باقی نماند و اعتماد بقول باغبان و رعیت و فراش و مباشر نکنید که من خود تمام این ها را تجربه کرده ام .

روز بروز تنخواه یونجه را جمع میرزا بیک کرده عصر همان روز قبض معتبر از مشارالیه دریافت و در پیش سایر قبوض تحویلی او در نزد خودتان حفظ و ضبط خواهید کرد .

اگر بشنوید که قبل از درو از یونجه چیده اند یا مال خودشان و غیر را چرانده اند فوراً "بلا فرصت عوض و قیمت ضرر را از دشتیان بگیرید اسم دشتیان امسال رمضان و دشتیان قدیم کربلائی رضا قلی است .

تمام این محاسبات را هم از جمع و خرج باید عالیجاه میرزا حسنقلی منظمًا دفتر و کتابچه نماید که معلوم شود هر روزه عمل چه بوده .

در عمل تریاک برای شما هیچ تکلیفی نیست. تکالیف تریاک کارها مفصلاً "در نوشتجات و قرارنامه های مبادله شده بین من و تریاک کارها که نزد جناب میرزا عبدالرحمن ضبط است بتمامه درج است .

باید بدون اجازه از طرف شما اقدام به گرفتن تریاک و زدن تیغ به قوزه خشخاش نشود والا چنین حرکتی شود مسلط خواهید بود که تمام حاصل آن زمین تریاک را از مرتکب ، به تصدیق اهل خبره دریافت نمایند حکماً" .

همینکه رعیت و تریاک کار خبر کرد که وقت تیغ زدن آنست باید آدمهای امین از طرف شما مامور شوند هر روزه باتصال بروند که هم تیغ بزنند و هم تیغ زده روز گذشته را در ظرفها جمع آوری و سرش را مهر کرده به منزل بیاورند و در انبار مخصوص با حضور خود شما که معین خواهید کرد در دیگهای بزرگ حفظ و ضبط نمایند و در میان دیگ هم تریاک را مهر کنند .

روزی که ابر باشد یا احتمال باریدن باران برود البته قدغن نمائید تیغ نزنند بعلمت

اینکه باران میبارد و آن تریاک رامی شوید آخوقت مبالغی ضرر وارد خواهد آمد . اگر کسی بگوید عیب ندارد باور نکنید .

اگر احتمال باران نرفت و تیغ به قوزه خشخاش زدند بعد بارندگی شد یا آنکه صبح، که میروند تریاک را از قوزه‌ها جمع نمایند دیدند که قوزه شب نمی است آن تریاک را که میاورند در دیگ علیحده ضبط نمایند که سایر تریاک ها را سیاه و ضایع نکنند ولیکن خود او را هم باید مضبوط به ضبط و حفظ نمایند .

روز که به خشخاش تیغ زدند یک نوع دزدی خود تریاک کارها این است که شب میروند هر قدر تریاک که ممکن شد شبانه بی خبر از شما میگیرند و آن تریاک منفعت آنها میشود چراکه شما اطلاع ندارید و آنها تریاک صبح را با حضور آدم شما جمع آوری کرده میاورند در دیگ ضبط می کنند و دست آخر از آن دیگ هم نصف حق خواهند برد. باید شبها آدمی از شما سرزمین تریاک ساخلو باشد یا آنکه اسم شب با آدمی بدهید و آن آدم را از راه آب به خارج شهر روانه کنید غفلتا برود دزدگیری کند و آن مرتکب را بشناسد که صبح بیآورد و تنبیه سخت نماید .

دیگی در بالاخانه اندرون بگذارند هر روز که آدم شما و تریاک کارها تریاک رادر ظروف میآورند بآن بالاخانه ببرند و در میان آن دیگ بزرگی خالی نمایند و اگر آن دیگ پرشد دیگ دیگر بیاورند و تریاک رادر میان او خالی کنند تا تریاک از بیابان جمع شود در ب بالاخانه را هم قفل و مهر کرده کلید رادر نزد خودتان ضبط خواهید کرد . سایر دربهای بالاخانه را هم از میان خود بالاخانه مضبوط و محکم خواهید کرد که ابداً " راه ورخنه بآن اطاق نماند عمل تریاک خیلی محل احتیاط است .

همینکه تریاک جمع شد آدم شما باید برود قوزه تریاک را خرمن کرده و بعد ، قپان نمایند ، سه حصه مال تریاک کار است و یک حصه مال شما که باید انبار نمایید یا اگر صلاح شد بفروشید پوست و دانه او هر دو بفروش میرود .

چوب تریاک را نباید ببرند او را هم خرمن کنند نصف را قپان کرده به تریاک کار بدهند نصف را خودتان ضبط کنید و به نرخ عادلانه بفروشید یک من تخم افشان هشتاد من هیزم دارد هیزمش را هم خوب میخرند .

آب زمین تریاک رادر قرارنامه تریاک کار نوشته اند از آن قرار باید عمل شود اگر بارندگی نشد خدا نکرده ، آن وقت سر سالارها باید مراقب و مواظب باشند که یک آب به زمینهای تریاک داده شود انشاء الله تعالی .

باقلای گود سلوک را اگر سبز و شیر بفروشند خیلی خوب است و فروش آن از دو

قسم خالی نیست یکی آنکه آدم امینی از جانب شما مامور بشود شب و روز با سالارها در خرمن باقلا باشد، صبح به صبح باقلا را به چینند به مالهای سالار دهقان بارکرده بیاورند دکان بدکان بیندازند و به نرخ آن روز بفروشند بطور روزنامه و بار شمار تنخواه باقلا را تحویل و تسلیم میرزا بیک نمایند و قبضهای معتبر گرفته در نزد سایر قبوض حفظ و ضبط نمایند و نگذارند پول امروز به فردا بماند ولیکن با میرزا بیک بعد از قبض دادن خود دادند. قسم دوم این است که باجه خری را بیاورند کلیه باقلا را باو بفروشند و در روی زمین صیغه بخوانند و تنخواه باقلا را بیک قسط و دو قسط از آن باجه خر به موجب سند شرعی معتبر دریافت و تحویل میرزا بیک نموده قبض از او دریافت کنند ولیکن تصدیق خراسانی در حق خراسانی معتبر نیست می آیند و میگویند آن تخمی را که به زمین پاشیده اید منی دو هزار دوریال سه هزار می خریم که خروار به درستی بیست تومان بیست و پنج تومان سی تومان میشود و این صرفه مالک و رعیت نیست مگر بعد از دقتها و تحقیقات و اطلاعات شخصیه از اصل قیمت باقلا و اینکه یک من بذر باقلا چند من تبریز باقلای سبز وتر خواهد شد.

رعیت در نصف باقلا حق دارد و هرچه بفروش رفت نصف از کل به او داده میشود ولیکن بعد از مراجعت من انشاء الله تعالی که حساب رعیت را کرده حق او را بعد از ، اطلاع خودم بدهیم .

در فروش باقلا و دقت زیاد کردن قیمت بقدر مقدور و حفظ و صیانت خرمن باقلا از، تاخت و تاز و دزدی شب و وقت و بیوقت رعیت هم همان رابعهده دارد که شما دارید. اگر خدا نکرده باقلا در حالت سبزی و اصل موقع به فروش نرفت باید بگذارید باقلا خشک شود بعد درو کرده خرمن کنند، بکوبند گاه و دانه را سوانمایند. گاه علیحده دانه و حبه باقلا علیحده در انبارهای مخصوص انبار شود .

اگر باقلا در سبزی و تری بفروش رفت و تمام شد کاهش باید در زمین بماند خشک شود بعد درو کرده خرمن نمایند و در موقع انبار کردن بدقت هرچه تمامتر قپان کرده انبار و حفظ نمایند و بعد با رعیت قسمت شود .

آنوقتی که باقلا سبز و شیر است و هنوز سخت و چغل (۹) نشده روز پنج من تبریز تا پنجاه من تبریز باندرون بیاورند با استمرار لپه و سایه خشک نمایند برای زمستان انشالله تعالی . برای خانه خودتان هم بقدر حاجت بجهت مصرف و خشک کردن بردارید .

هرگاه کاه باقلارا در خرمن مشتری خوب پیدا شد همانجا بفروشید تنخواهش را تسلیم میرزا بیک نمایید ولیکن نه بکیل خرمن بهتر است که مباشرین زحمتی بخود قرارداد ه بعد از قیام کردن بفروشند انشاء الله .

هریک از زمینهای تریاک و باقلا و جو و گندم و منداب که فارغ شد فوراً "باید رعیت" شیار کرده سبز برگ بکارده که یک حاصل دیگر انشاء الله تعالی برداشت شود .

حق الشرب باغتره گود سلوک را همینکه نوبر خیار و کدو و بادمجان بیرون آمد باید حواله و دریافت نمایند و جمع میرزا بیک شود موافق شروط قرار نامه ها که به خط و اطلاع جناب میرزا عبدالرحمن نوشته شده است .

صد پل چهار پل (۱۰) را که موافق قرار نامه مرقومه با غتره کارها حق ما است باید تمام پلهای باغتره را بشمارند و از هر صد پل چهار پل مرغوب خوب را ضابطه ده ضبط نماید یا روز بروز بفروشند و برای مصارف خانه و کلفتها و بیرون و خانه خودتان که بیاورند و تنخواه نقدی او را تحویل میرزا بیک کنند یا باجه پلها را بعد از وقت اجاره بدهند و تنخواهش را گرفته تحویل میرزا بیک نمائید و قبض صحیح معتبر دریافت کنند .

آب باغتره را موافق شروط اجاره نامه ها بی کم و زیاد مراقبت نمائید برسانند مگر در تاخیر فسط حق الشرب که حق بردن آب نخواهند داشت والا از شماره و تعیین در اجاره نامه حق ندارند که بیشتر مطالبه آبی نمایند .

اگر حاصل بواسطه خشک سالی و عدم نزول باران کلیه محتاج آب شد و آب قنات هم کمی کرد حاصل را نباید بی آب گذاشت . بهر طور و از هر جا هست و از هر ممر و مجری حکما " و حتما " باید آرام نگرفته و آب خریداری نمائید و بحاصل برسانید و از آن صاحب آب قبض خواسته حاشیه آن قبض را حواله کنید . قیمت آب را از میرزا بیک دریافت نمائید و دقت در خرید آب کنید که گران و خارج از معمولی ولایت خریدیده نشود .

اگر شاهسون یا سواره دیگر یا فوج ضرر و خسارتی بحاصل رساند آن جمع یا فرد را به اسم و رسم شناخته به رئیس نظام اظهار کرده حقا " و قویا " مطالبه خسارت را نمائید . هرگاه به ملاحظات عقلیه اظهار بر رئیس نظام را صلاح ندیدند بعرض حضور مبارک برسانید که رفع ضرر مستاجر شود .

همینکه وقت درو جور رسید چادری از عالیجاه آقا مهدی امیر آخور گرفته در صحرا خواهید زد و هر شب آدم خودتان در آن چادر خواهد بود و مواظب بیابان جورادر کرده خرمن نمایند هر قطعه زمین جو که درو شد چادر را برداشته در قطعه دیگر زده آن زمین

را درو و خرمن خواهند کرد تا تمام جو خرمن شود بعد خرمن به خرمن بکوبند گاه و دانه را از یکدیگر سوا و جدا نمایند .

از کوبیدن یک خرمن که خلاص شوند تمام آن خرمن کوبیده شده را قیان نمایند با حضور خودتان و مباشرین نصف آن خرمن را تحویل رعایا باطلاع ریش سفیدها نمایند و فیض صحیح معتبر به مهر همه دریافت و ضبط نمایند نصف دیگر خرمن را که حق مالک است بالتام با مالهای رعیت حمل و روانه انبار سرکار قبض آثار کرده قبض تحویلداراخذ و ضبط نمائید .

هر خرمن پنجاه شصت من کیالی داروغه‌گی میرزائی، خاک خرمن، خاک ترازو و غیره و غیره دارد که حق مالک است و باید جمع میرزا بیک شده قبض معتبر دریافت و ضبط شود . عدد خرمن را باید زیاد و خرمن‌ها را کوچک نمائید که هم اسباب دزدی و خلاف کمتر دارد و هم معطلی و هم نفع خرمنی هم یک روز از صبح الی غروب بالتام برداشته شود .

بعد از جمع کردن خرمن اطراف آن خرمن را تا هر جایی که احتمال پاشیده شدن دانه می‌رود جاروب و با خاک جمع نمایند بعد غربال کنند که خاک و دانه جدا شود بعد قیان کرده نصف به رعیت بدهند و نصف به میرزا بیک .

در وقت درو کردن از خوشه‌های نکوبیده باید مراقبت نمایند که گاه و بیگاه حمل به شهر و سرفت نشود یا درگودالها پنهان نکنند یا در زیر خاک و بعد بیرون بیاورند از این قبیل دزدیها رعیت زیاد دارد .

بعد از کوبیدن آن خرمن باید شب آدمها کشیک بکشند که از حبه و گاه مخلوط به یکدیگر سرفت نمایند که این فقره خیلی محل احتیاط است در این موقع خرمن چون نشانه بردار نیست دزدی زیاد میشود بشرطی که آن آدم مامور هم خودش دزد نباشد .

خرمن را که بباد دادند باد داده شده خرمن و دانه پاک شده را با مهری که نزد میرزا بیک است دج (۱۱) و مهر نمایند که اگر مهر بشکنند باید مطالبه ضرر از رعیت و آن مامور مستحفظ خرمن شود .

در وقت سوا کردن خرمن یا خرمن سوا شده و مهر خرمن نگشته در میان کوره‌های آب خوری و توبره و سفره نان و شولا و جبه رعیت که شاهکار دزدی رعیت است جنس از میان خرمن باتصال خارج و در میان چاه و غیره ذخیره دزد رعیت نشود .

رعیت از مال خود حق دارد که درویش قسمتی و سیدندری و غیره بدهد از مال شما

اختیار خودتان دارید میل دارید بدهید میل ندارید نوع دیگر به مصلحت خودتان — لدی الاقتضا انفاق در راه خدا به فقرا به نمائید .

از هر خرمنی قبل از قسمت بین مالک و بندار و رعیت باید اول بذر خرمن برداشته شود تا بعد به مقام تقسیم برسد بذر مقدم بر همه است بعد از آن کیالی و دارو غگی و غیره بعد از آن انبار سرکاری بعد از آن رعیت .

حق مالک و رعیت در هر خرمنی از خود آن خرمن است و این خلاف است که بگویند این خرمن راشما بردارید آن یکی خرمن را ما بر میداریم یا بالعکس این از جمله شاهکارهای عمدهٔ دزدی است .

دانهٔ خرمن که برداشته شد فوراً " باید گاه آن خرمن به کش من قپان بالمناصفه بین مالک و رعیت در کمال دقت از روی ثبت و سر رشته تقسیم شود و حق مالک تحویل میرزا بیک شده در انبارگاه حفظ و ضبط شود و از بیابان برداشته شود فوراً " که باران و باد و مال مردم و مالهای رعیت تلف و ضایع خواهند کرد قبض گاه صحیح و معتبر از میرزا بیک دریافت خواهد شد .

در نزدیک باغترهٔ معتبر از باغترهها باید کدوخانه از چوب بسازند . جمیع مصالح — کدوخانه (۱۲) از تیر و چوب و زه وار و میخ آهن و حصیر و غیره نزد سرسالارها و تحویل آنها است در وقتش باید نجار ببرند و سرپانمایند . اطرافش را باغچه بندی و گل کاری ، نمایند . حوض آب بسازند کدوهای خوش جنس بکارند تربیت کنند . شاخه درخت کدورا از اطراف بالای کدوخانه بکشند به بندند کدوها را آویزان بفضای داخل کدوخانه نمایند خیلی بدقت و سلیقه و باغبان پسند که مطبوع و دلپسند باشد . انشاء الله تعالی . در کنار نهر آب گود سلوک که آب بارازی و حاصل می رود هر چه ممکن است باید نهال بید خوب و راست و شاداب کاشته شود با عالیجناب ملاکبر علی امین (۱۳) سفارش شده است مباشرین ده باید مراقب شوند از آخوند بگیرند به موجب قبض و از جای دیگر هم تهیه نمایند . هر قدر که در امکان و قوه دارند در جاهای بی ضرر نهر درختهای — بید بکارند که بسی منافع دارد .

در زمین بیونجه ده و جای دیگر غیر از زمین بیونجه، نهال توت لازم است که غرس شود و به ثمر بیاید . هر قدری که گنجایش دارد از آخوند ملاکبر علی البته بگیرد و بدهد با سلیقه بدون حیف و میل حکما " بکارند و مسامحه نکنند که وقت بگذرد .

۱۲ — کدوخانه به معنای سایبان است .

۱۳ — علی اکبر امین = امین تعمیرات آستان قدس .

برگهای درخت توت قدیم را موافق نرخ معمول ولایت، یوسف باغبان آصف الدوله بفروشد تنخواهش جمع میرزا بیک شود در این باب اگر مسامحه شود میرزا باید غرامت بدهد .

همیشه باید از آب قنات گود سلوک و حالت باغات و دزدی سالار و دهقان و تردستی باغدارها در جمیع باغات خبر داشته باشید که بخلاف معمول شب و روز آب دزدی نمایند و دزدیشان را بگیرد حکم دزد هم معلوم است .

اگر هواسردی کرد هر وقت باشد باید یخ بگیرند و به یخچال بیندازند و کمال دقت نمایند که هر قدر ممکن شد یخ در یخچال انبار و حفظ شود .

در صورتیکه یخ گرفته شد هر قدر گاه که لازم شد از انبار حمل کرده برو و اطراف یخ بریزند مضبوطش و محفوظش نمایند در بش را بنا ببرد محکم و مضبوط به بندند ابتدا باز نشود تا مراجعت من انشاء الله تعالی. مگر اینکه فروش یخ تا آمدن من مقتضی و صلاح شود .

در گرفتن یخ دهقان و سالاری که میگیرند شبها آتشی و گوشتی و بولگی و حلوائی دارند که میرزا بیک میدانند و باید بآنها داده شود. جز این دیگر ابتدا از یخ و غیر یخ احدی حقی ندارد .

اگر یخی گرفته شد و باید فروخته شود یا امینی میروود روز بروز درب بخچال درب را باز کرده بار بار می فروشد و تنخواه را به نرخ آن روز جمع میرزا بیک می کند و قبض می گیرد یا یک جائی مشتری می آورند و از روی کمال استحضار و بصیرت بصره یخ را باو می دهند و یکجائی یا به قسط تنخواه گرفته تحویل میرزا بیک مینمایند . در هر دو صورت یخ مصرف خودمان باید معین داده شود .

و اگر یخی گرفته نشد و انبار برای گاه لازم شد درب محکمی به در یخچال به نشانند و بخدان را انبار گاه نمایند قفل و مهر کرده بدشتبان بسپارند و الا فلا .

گاه اگر در سر خرمن به تصدیق اهل اطلاع مشتری نقد بصره و خوب پیدا کرد همانجا بفروشند تنخواهش را تحویل میرزا بیک کرده قبض دریافت نمایند . و اگر بنای ارزان فروشی شد عین گاه را تحویل میرزا بیک کرده قبض جنسی دریافت نمایند. گاه منداب و گاه باقلا و گاه جو و گاه گندم نباید مخلوط و داخل یکدیگر باشد باید در یک انبار علیحده، علیحده یا در انبارهای متعدد میرزا بیک انبار کند .

انبارهایی را که میرزا بیک جو گندم گاه باقلا منداب و غیره خواهد کرد، باید اجاره کنید در جای نزدیک و محل معتبر و اجاره او را در حاشیه قبض صاحب انبار حواله کنید ماه

بماه یا سه ماه به سه ماه یا سالیانه میرزا بیک بپردازد .

گندم و منداب در قسمت کردن و خرمن کردن و کیالی و خاک انبار و غیره و حمل به انبار سرکار فیض آثار و تکلیف گاه و غیره بدون کم و زیاد حکم جورا دارد . رعیت نمونه‌ای (۱۴) رسم است که برای مالک می‌کارد گویا دو خروار گندم است کاشتن و عمل آوردن و درو کردن و کوبیدن و گاه و دانه را سوا کردن کلاً با رعیت است . از خرمن تا درب انبار و تمامی حاصل او از دانه و گاه و غیره مال مالک است و حبه رعیت حق ندارد . مخفی نماند که این دو خروار، دو خروار بذر افشان است و کلاً حاصل او تحویل میرزا بیک خواهد شد .

گندم و جو دیمه که علاوه بر بذر آستانه مبارکه که به تحویل سرسالارها داده شده است کسی بذر از خودش آورده و کاشته است اگر هیچ‌آبی از قنات نگیرد، همینکه حاصل خود را درو کرده کوبیده ، در وقت برداشتن باید عشر از گاه و عشر از آن جو گندم به مستاجر زمین ده بدهد و تحویل میرزا بیک شود بموجب قبض میرزا بیک .

و اگر دیمه کار محتاج شد و یک آب خواست یک آب به حاصلش بدهد و از محصولش دو عشر از گاه و دو عشر از گندم و جو برداشت کرده تحویل میرزا بیک نماید و قبض بگیرید .

اگر خدا نکرده کلی بندی در قنات اتفاق افتد، هر وقت شب هم باشد حکما " و حتما " باید مقنی از شهر بیرون کرده شب و روز ، زود زود به اتصال بلا تعطیل به نوبه مقنی و چرخ زیاد کرده فوراً " مفتوح نمایند و به محض استماع خبر ریزش خاکی به چاهی ، همان آن و دقیقه در مادر چاه آب را بریک دهره گاه ببندید که هر چه زودتر آب از چاهها بالمره مقطوع شود و آب روی هم انبار و جمع نشود که یک من آب جمع شده در چاه یک خروار خاک ولای به چاه میریزد و مجرای قنات را بکلی پرو کور و خراب و مسدود می نماید .

اگر باید بادنجان در باغتره کاشت و باغتره کار خواهش نمود، بشرط دادن حق الشرب حسابی از قرار هر پل ده زرع طول و چهار زرع عرض پانصد دینار و ششصد دینار، مضایقه از قبول ننمائید . اولاً "از اول بنای کاشته شدن نهال بادنجان والا بعد از پنج آب معمول باغتره کار . و هرآبی را اول پل شمار حق الشربش را دریافت کرده تحویل میرزا بیک ننمائید بعد حکم دادن آب بدهید .

از جمیع این عملها عالیجاه میرزا حسینقلی باید ثبت و سر رشته جامع از عملکرد و اقساط و تفصیل اقساط و اسامی بدهی اشخاص و علفهای بار و شرح قبان و صورت جمع نقدی

(۱۴) نمونه مجانی و تماما " متعلق به مالک است .

و جنسی و مخارج و قبوض و تحویلداران و حواله جات بردارد .
 اگر خدا نخواستہ آفتی از تگرگ و غیرہ بہ حاصلہایا بہ یک حاصلی رسید ، فوراً " بہ عرض حضور مبارک برسانید . اہل خیرہ و اطلاع معین کردہ ہمراہ ببرید . فدر ضرر آفت را معلوم و دفتری نمائید و بقیہ یعنی باقی ماندہ حاصل را ہمین وقتہا جمع آوری کردہ با رعیت بالسویہ تقسیم نمائید و قبض دریافت کنید در آفت جمیع شروط و حقوق مبدل بہ مساوات می شود .

زمین سال آیندہ را بعد از برداشتن حاصل باید رعیت دو نخہ (۱۵) سہ نخہ شیار نمایند کہ دستہ قمچی (۱۶) بزوردست تا بیخ بہ خاک برود و پای آدم تا قوزک پا ، والادوبارہ حکم شیار شود .

رعیت را از رساندن آب بدہ چہ بہ خریدن و چہ کار کردن در قنات اطمینان کلی بدهید و او را باقسام بہارہ کاری چہ اول بہار چہ در زمینہای زراعت نشدہ نگارندہ و چہ بعد از برداشت حاصل وا دارید . کہ رعیت تنبل است .

باغ آصف الدولہ و سالاروقنات آن

سالی در یکصد و ہشتاد تومان اجارہ است تا وعدہ اجارہ^{۱۵} منقضی شود دو نفر باغبان بہ موجب شرط اجارہ بہ عہدہ^{۱۶} مستاجر است . ولیکن من پنج نفر باغبان نگاہداشتہ اضافہ از مال الاجارہ مواجب می دہم تقی ، حاجی محمد ، یوسف ، محمد ، فتحعلی . اگر دیواری خراب شود تا دوسہ تومان مخارج با مستاجر است و مازاد با آستانہ مقدسہ . اگر درقنات خرج فوق العادہ پیدا شود تادہ دست چرخ کہ لای روب شود بہ عہدہ^{۱۷} مستاجراست و مازاد با آستانہ^{۱۸} مبارکہ . نہال کلا" با آستانہ مقدسہ است و مخارج غرس نہال با مستاجر جیلو برای قنات ہر قدر ضرور شود با اولیای آستان قدس است گلکاری بہ عہدہ^{۱۹} باغبان و مخارج طراحی و عملہ زیاد بالتمام با آستانہ مقدسہ و اگر آب قنات را از چہار زوج بیشتر بخواہند و مستاجر بہ زیادہ از چہار زوج آب طالب نباشد نوکل (۱۷) و آب زیاد کردن بہ عہدہ^{۲۰} وقف خواہد بود .

(۱۵) دوبار و سہ بار و بالعکس بار قبلی - یا عمودی و بعد افقی

(۱۶) شلاق کہ سوار بدست می گیرد .

(۱۷) - نوکل از کلیدن بہ معنی کندن و بہ معنی پیش بردن پیشکار است .

اگر قنات آصف آباد کمی کرد، چون اغلب مصرف آب برای آبادی و برای عمارت است به عرض حضور مبارک برسانید که انشاء الله تعالی قراری در پیشکار قنات فرموده بدستیاری شما مقنی باشی را وادارند کار و نوکل کرده آب را زیاد نمایند .

اگر در چاههای حالیه قنات ، کارلای رومی لازم شود ، به همانطور که در قنات گودسلوک دستور العمل نوشته شده است قرار تنقیه قنات را بگذارید، میرزا بیک و تقی باغبان و آدمهای مامور در خفیه و ظاهر کمال مواظبت نمایند .

هر روز باغبانها از دهنه شکافه قنات تا باغ ، به مجرای آب در باغات و خانههای مردم رفته به نهر آب رسیدگی نمایند که خرابی نکرده باشد . هر گاه کسی به آب دست زده باشد یا بی اجازه به خانه و باغچه و عمارت خود باز کرده باشد ، تا هر درجه باید ایستادگی کرده اجرت المثل و ضرری که رسانده اند مطالبه و دریافت نمائید . انشاء الله .

اگر کسی از خانه حاجی ملا سلیمان به بالا و از باغ سالار به پائین آب بخواهد خریداری نماید به قیمت عادل و حساب (۱۸) آلاز هر قدر بیشتر آب فروش کرده تنخواه آن را جمع میرزا بیک نموده قبض دریافت نمائید .

خانه جناب شیخ رئیس پنج تومان و پنجهزار ، خانه حاجی ملا سلیمان پنج تومان حق الشرب دارد . در وقتش حواله و باز یافت و تحویل میرزا بیک نمائید اما در هر دفعه تا شش آب الی آخر سال داده شود باید اجاره بگیرند و میرآب باغ آب بدهد نه اینکه خود سر دست به آب زده باشند .

آب هر دو باغ وعده به وعده باید به وقت و به موقع زود زود برسد علی الخصوص بیونجه و قصیل جوبهای تبریزی و خودتان برای العین ملاحظه نمایند که قطعه به قطعه باغها آب خورده اند و به امید باغبان و غیره نگذارند .

چهار ساعت از شب که گذشت در باغها و خانههای بالای باغ آب را می دزدند و اذان صبح به باغ آصف الدوله سر می دهند باید خیلی مواظب نمائید که این کار بهیچ وجه اتفاق نیفتد و در صورت وقوع دنبال نمائید .

باغبانها خاصه حاجی محمد راه دارد که از آن ممرها آب را در خانه ها و آب انبارها بدزدی می فروشد و می گوید که آب در باغ بود . مراقب اینکار باشید مردم و هر ساعت که بتوانند دزدی کند و در صورت دزدی معلوم و محقق شود و به مکافات خودش برسد .

باجناب حاجی میرزا سید محمد رئیس مجلسی کرده قرار فهمیده بگذارید که آب در میدان کهنه فروخته شود و آب فروش معتبری کرده تنخواه معتنا به خوبی تحویل میرزا بیک

از این بابت نمائید .

قرار بگذارید که غلام بچه و فراشهای درب اندرون و عمله کارخانه و حمام خود سر دست به آب نزنند . هفته یک مرتبه یا دو مرتبه شما اظهار نمائید و با اجازه شما میرآب بقدر حاجت آب بیورد برساند و بعد از رفع حاجت آب را قطع نماید و الا به عرض برسانید و رفع علت نمائید .

راه آب باغ سالار را میرآخور خراب کرده است که تمام آب به باغ سالار نمی رود و در راه آب، نصف آب تلف و هدر می شود و باید آب بدرستی از هر راه و به هر تدبیر که ممکن است به باغ سالار برود و الا سی هزار نهال سه ساله پیوند شده خشک و خراب خواهد شد و یکصد تومان ضرر یونجه وارد خواهد (آمد) به عرض مبارک هم برساند .

اگر گلوئی (۱۹) در قنات به تصدیق حاجب رجب لازم شد، البته خریداری کرده روانه کنید در محل لازم قنات کار نمائید و قبض از مقنی باشی بگیرید آنوقت برات صادر نمائید و تنخواه آنرا از تحویلدار اخذ و تحویل میرزا بیک نمائید به تفصیلی که در این فصل قنات گود سلوک نوشته شد .

سر چاه ها کلا " بسته است باز آدم برود ببیند هر قدری که باز است میرزا بیک و مقنی باشی به تمامه چاهها را ببندند که سر چاهی باز نماند .
اگر خدا نخواسته کلی بندی اتفاق افتاد به همان شرح فصل قنات گود سلوک اقدام به افتتاح نمایید هر چه زودتر ولیکن مخارج با آستانه مبارک است و باید موافق روزنامه چه حاجی رجب برات مبارک صادر نمائید .

اگر آثار کلی بند در قنات مشاهده کنید فوراً " هر وقت شب و روز که باشد به مقام کلی بند برآئید و تا می توانید نگذارید آثار کلی بند پیدا شود یا خدا نکرده کلی بند شود .

در هر حال دست کاری در قنات لازم است که آب زیاد شود و کفاف آبیاری باغات و عمارات و آب فروشی را نماید خرج این دستکاری با شما است دخلی به وقف ندارد .
اول حاصل باغ بیدمشک است که باید هر روز آفتاب نخورده چیده شود. اگر عرق کش بیباغ آوردند در باغ روی نهر آب، عرق بید مشک کشیده می شود یا آنکه هر روز به دقت آدمی مامور شده بید مشک را بچیند با ترازو بکشد به خانه عرق کش ببرند تسلیم نمایید و بقرار معمول عرق بید مشک اعلی در قرابهها دریافت نمائید .

یک مداخل باغ چقاله و گوجه سبز فروشی است که خراسانی "آخ کوکش" (۲۰) مینامد باید مواظبت نمایند در وقتی که نوبر است و قدر و منزلت بازاری دارد ببرند انشاء الله بفروشند و تنخواه بیاورند. این فخره گذشته از نفع نوبرانه منفعت زیاد بدرختها و میوههایی که باید به ثمر برسد دارد باد می زند چقاله و گوجه سبز را می ریزد آنها را باید باتصال باغبانها جمع آوری نمایند و طبق کتبا ببرند و بفروش برسانند .

شبهها باید مستحفظ و کشیک قرار بدهید که عملجات و متفرقه اهل مطبخ دزدی و دست درازی ننمایند و اگر کسی را دیدند بگیرند . خودتان به حضور مبارک ببرید و تنبیه آن ملعون را بخواهید. البته البته .

روزها هم مواظب و مراقب و مستحفظ لازم دارد علی الخصوص روزهای دفتر شبیه و چهارشنبه که نوکرهای مردم و گداه و عارضین ناخنک را موقوف دارند .

عمله و بناحق ورود به باغ ندارند و الاخرایی و هرزگی زیاد خواهند کرد . قدغن اینکار با امیرآخور است و در صورت اصرار باید به عرض برسانید و رفع کنید .
 جمیع در بهای باغ باید شب و روز مسدود و مقفول باشد و آن یک دری که باز است باغبان یا فراشی به نوبه مستحفظ و قراول باشد .

در وقت میوه این سه چهار ماهی که باغ حاصل می دهد باید چند نفر بقال شاگرد و میوه فروش و نویسنده که میرزای باغ باشد موجب خور نگاه دارید و به عمل جمع آوری و فروش میوه جات برسند .

میوه فروش باید در درب باغ بساط و دکان میوه فروشی راه بیندازد که یک منفعت باغ این است و از الزم لوازم است .

وقت گل سرخ هر روز قبل از طلوع آفتاب باید گل را به چینند به همان دستور العمل بیدمشگ عمل نمایند . اگر کسی طالب گل باغ شد به نرخ بازار گل سرخ را خریداری خواهد کرد و الا در بازار فروخته خواهد شد .

گل سرخ هم دزد دارد باید مراقب دزدی گل باشید و کسی در آشکارا حق چیدن یک گل از درخت و بوئیدن ندارد و مواخذ آنست .

وقت هر میوه از هر قسم ، کلفت و عیال را نباید تنگی بدهید . بازارها هر روز میوه به اندر و آنها بدهند . وقت چقاله و گوجه سبز و قرمزهم باید از آن جنس به اندرون بدهند سرکه خوب هم بدهند ترشی بیندازند .

زردآلوی پیش رس که من تبریز یک قرآن سی شاهی دو قرآن است از منافع باغداری است

هر یک زرد آلو که قرمز زده، باید با نردبان و چوب بلند بچینند و تازه تازه به قیمت گزاف بفروشند و تنخواهش را جمع میرزابیک نمایند .

میوه باغات را اگر مستاجر معتبری بشرط ضامن پیدا شده و در دویست تومان اجاره کرده در فروش نصف میوه اول باغ تمام مال الاجاره را به موجب اجاره نامه معتبره پرداخت، به اجاره بدهید و تمام تنخواهش را جمع میرزابیک کنید و قبض معتبر دریافت دارید. در وقت اجاره دادن دوسه خروار میوه شرط اجاره کنید که به خانهها بدهد .

و اگر کمتر از دویست تومان بتدلیس مشتری آوردند مبادا اجاره بدهید. البته روزبه روز باید به نرخ بازار میوه را بفروشید و روز بروز تنخواهش را جمع میرزابیک نمائید .

قرار فروش هر روزه این است که اول آفتاب میوه فروشها و طبق کشها را میآورند و در چادر شبها میوه را از درختها می تکانند با ترازو و در حضور آدم امین می کشند ، ثبت بر می دارند و به نرخ یومیه در دکانین بقالها می برند و تنخواه آن را بالتمام شب به شب جمع کرده تحویل میرزا بیک می نمایند . این کار من البدوالی الختم خیلی اهتمام وقت لازم دارد و البته بهتر از اجاره دادن است .

نوری زرد آلو و گوجه که می ریزد به اتصال باید جمع نمایند هر کدام که صورت بازار دارد در بازار بفروشند ، در درب باغ بفروشند و الا به سلیقه هر چه تمامتر در پشت بامها خشک و کشته نمایند (۲۱) .

زرد آلو نوری و گوجه اول نویر یک من تبریز دو قران وسی شاهی و یک قران است و در ارزانی میوه که کوه پایه را تگرگ و سرما نزده باشد از ده شاهی کمتر نیست و الا بیشتر است . مبادا آدمها اشتباه کاری نمایند .

اگر خدا نخواستہ آفتی به میوه باغ رسید فوراً " باید معدل و اهل خیره و به اطلاع امنای آستانه مقدسه قدر ضرر باغات را مشخص نمایند و به مزارعه در پرداختن مال المصالحه موافق شرط اجاره عمل شود .

آلو بالوو توت و سیب و سایر میوه در وقت فروش نوری و گوجه بفروش خواهد رفت موافق نرخ میوه در آن روز ولیکن در آخر پائیز علیحده اجاره باید داده شود . انشاء الله تبارک و تعالی .

فصیل باغ آصف الدوله و سالارگویا سیصد خروار حاصل آن باشد . اگر سوارها زیادی در شهر بند مشهد مقدس جمع باشند خرواری شش هزار ، هفت هزار دینار فروش می رود و الا

(۲۱) - کشته به معنای میوه خشک .

خرواری پنج هزار دینار است . باید مراقب و مواظب شوند که قصیل خوش (۲۲) نکشیده درو شود و بفروش برود . وقت درو کردن باری سی من بسته خواهد شد نه زیاد و عدد بار را باید آدم امین و نویسنده درست قلم بایستد که زیادی نبرند و کم حساب نکنند . پول قصیل هرروزه باید به نرخ بازار جمع میرزا بیک شود . وقتی که علف را درو می کنند باید آنقدر بچینند که همانروز و همان ساعت حمل می نمایند والا می ماند خشک می شود ، آبش کشیده می شود و از سنگ کم می آید .

اگر از قصیل به اصطبل مبارک خواستند بار و من و خروارش را درست بدقت معلوم و مشخص کرده به نرخ یومیه پولی از عالیجاه امیر آخور قبض بگیرند و آن قبض را به عالیجاهان تحویلداران آستان قدس داده قبض تحویلداري معتبر از بابت مال المصالحه باغ و قنات دریافت دارند .

سایر تکالیف راجعه به قصیل باغات مثل تکالیف قصیل گود سلوک است که نوشته شد بی کم و زیاد ، که باید نکته‌ای فروگذار نشود .

یونجه دوباغ را باید طوری مراقبت در چینش نمایند که یک روز از درویش عقب نیفتد و هر وقت که درو کردند فوراً " آب رسانند و سیرابش نمایند که بدرو دیگر زود خودش را برساند . در وقت درو ، آدم امین در کشیدن و چیدن و فروختنش مأمور شود باری سی من بیشتر نیندند . عدد بار را زیاد حساب نکنند ، پولش را از نرخ بازار کمتر حساب ننمایند فوراً " به جمع میرزا بیک بیاورند ، قبض صحیح معتبر دریافت نمایند حسابش را عالیجاه میرزا حسینقلی تمام و جامع بر دارد و ثبت کند مطابق شروحي که در یونجه گود سلوک درج شده است .

برگهای توت هر دو باغ و درختهای پشت دیوار باغ را در خیابان ، اولاً " هفت هشت ده مثقال تخم ابریشم در کلاه فرنگی باغ سالار به عمل بیاورند و برگ را بالتمام باین مصرف برسانند . اگر کمی کرد از بازار و باغات خریداری نمایند از کرم پيله عمل آوردن و تلمبار یوسف باغبان سررشته دارد . اگر او نشد یک آدم با سررشته اجیر و نوکر نمایند برای این کار . و اگر خدا نکرده ممکن نشد اقلاً " برگ را بکلی بفروشند و تنخواه برگ را جمع میرزا بیک کرده قبض دریافت نمایند .

اگر آب قنات کمی کرد و باغ محتاج به آب شد آب قنات سناباد و سلسبیل و مستشاری رابهر طور و بهر قیمت است خریداری کرده آورده باغات را مشروب و سیر آب نمایند .

مبلغ دوازده تومان قیمت نهال باغات را از پول اموات عالیجناب آخوند ملا اکبر علی

امین تعمیرات مرحمت فرموده‌اند باید بالتمام نهال زرد آلو و شفتالو و توت و گل سرخ و بیدو گلهای متفرقه خریداری کرده به اطلاع شما تحویل میرزا بیک و کربلائی حسن ضابط و باغبانها کرده در مواضع معینه و خطاهای هر دو باغ و کنار نهادهای باغات و گود سلوک غرس نمایند و سر پا باید تحویل امین شما در روی زمین شود .

در باغات خاصه باغ سالار نباید در بی پنجره به باغ باز شود . اگر سوراخی باز شد ، فوراً "باید میرزا بیک بتا برده مضبوط و محکم آن رخنه را مسدود نماید و سوراخی یک تومان آن صاحب خانه را جریمه کنند و التزام سختی بگیرند که من بعد نتوانند منفذ چشمی هم باز نمایند .

در باغات بز ، گوسفند ، گاو و گوساله نباید بسته شود و بچرانند و اگر چنین امری اتفاق افتاد آن حیوان ضبط و باغبان هانفری یک ماه قبض موجب نقدی و جنسی خود را باید جریمه بدهند .

میرزا محمد علی و بعضی ها ، راه آب از باغ به خانه‌های خود دارند نباید بی اجازه و بلاقیمت آب وقف را بدزدند و ببرند و الا آلازی یک تومان جریمه دارند و باید حکماً دریافت نمائید .

ترکه‌های چنار را باید نجار آورده قلم کرده ، تراش داده در دو طرف خیابان‌های باغات غرس نمایند و زود آب برسانند .

آب نذری به آب انبارها ، من نذر ندارم که به خیرات اموات بدهم هر کس آب لازم دارد تنخواه بدهد آب بخرد ، باغبان و میرآب ببرند حوض انبارها یا خانه را مملو و سیر آب نمایند .

نهادهای باغات را باید همیشه تنقیه نمایند علف خودروی باغات را درو و بیده (۲۳) کرده در گوشه باغها انبار نمایند . از عالیجاه امیر آخور عمله گرفته باغبانها خیابانها را طراحی نمایند بوته و درختهای گلها را چوب زده به سلیقه ببندند .

اره نباید به شاخه و یا به درختها برسد واحدی ماذون نیست که اسم خشکه بر ببرد پر کاوش (۲۴) و اصلاح درخت قدیم و جدید بعد از آمدن من است . انشاء الله .

اگر شبانه یا در خلوت بودن باغ درخت و شاخه ببرند چون تازه است معلوم خواهد شد و تا همه جا دنبال کردن این کار لازم است ، تنبیه و جریمه مرتکب ضرور .

اگر باد شاخه را بشکند باید فوراً آن شاخه را اگر چه یک من تبریز باشد کشیده تحویل

(۲۳) - یونجه خشکیده

(۲۴) - همان هرس کردن است .

میرزا بیک نمایند و قبض دریافت دارند آنهم انبار کند .
 اگر کسی از میان علف و قصیل باغ راه رفت باید او را هر کس باشد گرفته و تنبیه سخت نمایند که عبرت دیگران شود .
 اهورخانه سگ را باید بکلی ببندند که دست و پای سگ از باغ جمع شود . که سگ از هر حیثیت خیلی خرابی دارد و اگر چاره نشد سگها را بگیرند در دورها رهاکنند اگر آنهم نشد البته به قتل برسانند سگ در باغ نماند .

در باغ جوجه و درگود سلوک برهه‌های ماده خوب در وقتش ارزان و مناسب خریداری کرده رها کنید و تحویل باغبانها و سرسالارها بدهید .
 خانه حاجی محمد پشت دیوار باغ سالار است . شبها زنش می آید بالای بام طناب و سه آویزان می کند حاجی محمد متصل میوه و بیونجه و علف و سر شاخه کوله بار می بندد زنها بالای بام می کشند به خانه خود می برند . این فقره در مواقع محتومه خود دزد بگیر و جاسوس لازم دارد اما آن آدم باید غیر از میرزا بیک باشد که در خانه حاجی محمد منزل دارد . رفیق دزد شریک قافله .
 انگورهای باغها را باید بالتمام در غورگی چیده باندرون بدهند که غوره غوره نمایند یا آب غوره بکشند و در ظروف غوره و آبغوره در شربت خانه اندرون انبار نمایند .
 در باغات خاصه باغ سالار تفرج مردانه و زنانه مردم باید بالمره موقوف باشد و حاجی محمد از این بابت مداخل را موقوف کند . باغ حضرت علیه السلام جای لهُو و لعب نخواهد بود .

در بهای دارالشفای (۲۵) مبارکه و رخنه محمکه آنجا باید همیشه مقل و مسدود باشد . به کسی راه تردد و تنفس هم ندهند که آنجا اسباب خرابی باغ است .
 اگر دیواری از زهر دو باغ خراب شد اگر ملک غیر است محصل به سر صاحب ملک بگذارند والا بسر مباشرین تعمیرات آستانه مقدسه و فورا " در صد ساختن بر آئید .
 در هر دو باغ در وقت هریک زراد (۲۶) که باصطلاح خراسانیا " جواریش " میگویند بادنجان و خیار و کدو و هندوانه و خربوزه و غیره بدهید باغبانها بکارند و عمل بیاورند البته .
 سیب زمینی باید در گلدانها و غیره کاشته شود . باغبان تنبل است . اهتمام لازم

(۲۵) - باغ سالار وصل به دارالشفای بوده و نزدیک به سمت بالا خیابان مشهد .

(۲۶) - مقصود ذرت است .

دارد که حکما " و حتما " باغبانها سیب زمینی بکارند و عمل بیاورند .
 در باغ پلها و گودالهائی که پیدامی شود و خراب می شود باید باغبانها بسازند اگر
 عمل نیاورند و تعمیر نکنند خودشان مقصرند و باید تنبیه شوند .
 گل کاری و خطای بیدهای باغچه فرنگی باغ آصف الدوله موافق دستورالعملی که به
 باغبانها داده ام باید سرانجام بگیرد در این باب خیای خیلی مراقبت لازم است از طرف
 شخص شما .
 در سر پلهای یونجه های جدید الفلاحه باغ آصف الدوله و سالار امسال وقت کاشتن زراد
 و عمل آمدن حاصل زردا هر دو باغ است .
 دور دیوار اندرون بیدو و گل سرخ و کدو لازم است کاشته شود و دستورالعمل به تقی
 باغبان داده ام البته اهتمام نمائید که بکارند و وقتش نگذرد .
 دیوار سمت کوچه باغ سالار آنچه نهال تبریزی دارد از روی خاک ببرند و آن بریده
 شده ها را در سه طرف دیگر باغ تعمیر کنند که اگر رای مبارک علاقه کرد در آنجا رو به کوچه
 عمارتی ساخته شود و دیوار را قرینه سازی کنند در وقت شادابی نهالها ضرر به نهال نرسد
 و این شاخه موجود هم به درد جای دیگر نخورد .
 دیوارهای دور باغ سالارگاه گل است . آنچه که متعلق به آستانه است ریخته و تعمیر
 لازم دارد . باید به محصلی میرزا بیک امیر آخور تعمیر نماید . و آنچه متعلق به داکین و مردم است
 باید به محصلی میرزا بیک صاحبان داکین تعمیر و لکه گیری نمایند حکما " .
 نهی از پشت دیوار خیابان به باغ سالار لازم است احداث و ساخته شود دستورالعمل
 به میرزا بیک در این باب داده ام . شاخه میم هم (۲۷) در هر دو باغ کنار دیوارها و غیره
 باید قلم بزنند .
 در باغ آصف الدوله و سالار زمین های یونجه که ساخته شده باشد یونجه تخم هرات
 خوب کاشته شود . میرزا بیک به اطلاع عالیجناب شیخ حسن هر قدر تخم که لازم است بخرد
 شیخ حسن بایستد تخم را پاش بدهند و دور یونجه زار را نهال توت بکارند در باغچه های
 جلو عمارت جناب مستطاب روحی فدا و باغچه های اندرونی را باید گل کاری از همه جور و
 همه قسم بشود .

آقارضا قلی خان حفظ الله تعالی

حفظ مزاج این طفل از اولین تکالیف است و بر همه دوستان و آقایان من مراقبت و

(۲۷) - میم به معنای مواست .

مواظبت به اینکار لازم است که انشاء الله تعالی همگی کمال اهتمام و تفقد هر ساعته فرمایند .
 اولاً " هر دو روز سه روز یک مرتبه عالیجناب فضایل مآب حاجی میرزا محمد علی حکیم باشی را زحمت بدهند یا خود آقا را بادایه نزد حکیم باشی ببرند بدقت هر چه تمامتر ملاحظه مزاج طفل و دایه را زحمت کشیده بفرمایند . عالیجاه کوچک خان در بیرون و گوهر باجی در اندرون مراقب باشد که ماکول و مشروب آقا کوچک و دایه ذرهٔ خارج از دستور العمل حکیم باشی نباشد آنچه باید و شاید خود اکمل و اعلائی آن را معجلاً " بلا تعویق و تاخیر برای آقا کوچک و دایه فراهم بیاوند و تنگی ندهند .

ثانیا " با انسی که آقا کوچولو به من دارد البته بهانه خواهد گرفت . نگذارند غصه بخورد . بازی بدهند . اطفال کوچک از قبیل بچه‌های میرزا محمد علی عبدالله خان تقی باغبان و غیره بیاورند با آنها محشور باشد ، بازی کند . لیکن چشم از رویش برندارند زمین نخورد ، توی آب نیفتد ، موضعی از مواضع بدنش زخم نشود نسوزد . انشاء الله تعالی در اندرون بنوبه و کشیک کلفت‌های اندرون مواظب احوالش باشند دقیقه‌ای بی آدم و پرستار نماند .

ثالثاً " عالیجاه کوچک خان و با باقا پوچی به اتفاق هر وقت که بهانه می‌گیرد دلتنگی می‌کند پیاده ، سواره به گردش ببرند بیازار و خیابان و حرم محترم ببرند بگردانند هر وقت که سواره به گردش باید ببرند به عالیجاه آقامهدی امیر آخور اظهار نمایند مال از او بگیرند اگر احوالنا " عذر آورد مال و الاغ نداد بعرض حضور مبارک برسانند که امر به گرفتن مال از اصطبل شود . اگر آنهم نشد مثلاً " همشیره مقرب الخاقان محمد تقی خان فرمود : الاغ من است نمی‌دهم یا ندهند ، عالیجناب شیخ حسن الاغ خوبی پیدا کند بخرد . میرزا بیک پولش را بدهد ، اسبابش را بسازد ، به اسم آقا کوچولو ببندید .

رابعا " باید آقا را بار ختهای الوان نو خوب و اسبابهای پاکیزه دلخوش داشت هر روزی چیزی نوتازه برای او بخرد بدوزید که ذوق کند . عالیجناب حاجی محمد جعفر پارچه‌های خوب خوب بدهد استاد عباس خیاط زود زود بدوزد ، کفش و کلاه هم ماهی دوتا سه تا تازه میرزا بیک بخرد تحویل گوهر باجی کند .

اگر خدا نخواستہ مرضی به طفل عارض شود از آوردن اطباء حاضر کردن همه نوع ادویه و اغذیه قیمتی و غیر قیمتی و کشتن قربانیهای متعدد و نذرها و دادن تصدق و نان فراوان و روضه خوانی حضرت خامس آل عبا و روحی فدا بهیچوجه مضایقه نشود که من مضایقه نکرده‌ام و نخواهم کرد خداوند حاجت به این فصل میندازد به حق خودش و انبیاء مرسلین و اولیاء صالحین و ائمه معصومین سلام اله علیهم اجمعین .

همشیرهٔ خودم عیال آقای میرزا علیخان هر روز هر شب یا باید به اندرونی من زحمت

بکشد یا آقا را بفرستد ببرند متوجه دو او غذا و مراقب حال و لباس و پاکیزگی طفل باشد بجای مادر مهربان به امید دایه و گیس سفید و دده سیاه نگذارند .

هر دو روز یک مرتبه در جای معتدل که تصرف هوا نشود لباسهای آقا کوچولو را از سر تا پا عوض کنند که ابتدا " لباس طفل چرک و کثیف نباشد یا خدا نکرده شپشی ، جانوری در میان لباسش تولید نشود . العیاذ باللہ صدمه به بدن نازک طفل بزند بدنش را زخم کند خارش بر دارد .

سر طفل را همیشه بچورند که چرک نباشد ، شپش نگیرد ، کچل نشود . اگر خدا نکرده زخمی به سر یا بدن طفل بیفتد فوراً " بی تا مل در صدمه معالجه بر آیند نگذارند زیاد شود یا مزمن گردد خدا نخواستہ .

هفته‌ای یک مرتبه عیال آقای میرزا علیخان خودش آقا کوچولو و تمامی کلفتها را بر داشته به حمام ببرد شستشو بکنند و با خودش مراجعت بدهد . جز این طور جور دیگر یا زیاده از اینقدر کسی مرخص نیست خودش یا آقا را حمام ببرد .

اگر حضرت اجل اکرم روحی فداه خودشان بصرافت طبع خواستند احضار فرمودند آقا کوچولو را مرخصند که به توسط آقای میرزا علیخان در بغل عالیجاه کوچک خان یا مشهدی علی قاپوچی بحضور مبارک ببرند به اندرون و خدمت خانم ننه مخلص چه در خانه و چه در حرم مبارک کسی مرخص نیست طفل را ببرد حرفی به عرض برساند اگر چه سرکار خانم شوکتمدار خانم ننه مخلص تفقد و تلفت فرماید .

هفته‌ای یک مرتبه هم شبهای جمعه عیال آقای میرزا علیخان و تمامی کلفتها با همگی نوکرها در جلو آقا کوچولو را به زیارت ببرند و جز این یکدفعه زنها بالکلیه و آقا کوچولو با زن مرخص نیست به حرم مشرف شوند یا بازار بروند . هر دفعه هم که به حرم می روند میرزا بیک سه هزار دینار انعام با پول زیارت به اهل اندرون بدهد . جز حرم محترم و خانه آقای میرزا علیخان ، کلفتها و آقا کوچولو جائی ندارند و مرخص نیستند به خانه احدی بروند بنای دید و بازدید و وعده مهمانی و غیره و غیره نگذارند . به غیر از خانواده آقای میرزا علیخان و میرزا محمد علی و عبدالله خان و سید نصرالله و مادر و خواهر دایه آقا کوچک و دختر آشپز احدی مرخص نیست پا باندرون من بگذارد و بچه را بغل بگیرد یا مهربانی بکند یا خوراکی بدهد . حتی مادر بچه و جد مادری و اقوام مادری طفل .

بغیر از کوچک خان و بابا در بیرون جز دایه و گوهر باجی در اندرون احدی حق ندارد و مرخص نیست آقا کوچولو را بغل بگیرد یا نگاه بدارد یا خارج از محوطه اندرون و بیرون بگردد ببرد اگر بعنوان مهربانی بگیرد ببوسد فوراً " تنبیه بشود البته و آنها را چوب زده حکما "

شبهاً تا صبح در اطاق آقا کوچولو چراغ بسوزد . بچه را در تاریکی خوابانند بچه را در اطاق تنها نگذارند . همیشه در اطاق آقا دو سه نفر بیدار و خواب باشند اگر دایه خواب باشد بیدار کنند بچه گریه نکند . دایه خوابش سنگین است .

مبادا دایه ، کلفت ، کنیز خدمتکار ، نوکر و غیره به بچه من جنگ کند تشر بزند یا العیاذ باللہ ، کتک بزند ، طفل من غصه بخورد گریه کند ، دلش نازک است . روح من در اذیت و حواسم پریشان خواهد شد . جز نوازش به طفل از احدی توقع و تمناندارم و نخواهم داشت .

اطاق آقا همیشه پاک و پاکیزه و جاروب شده باشد درخت خوابش را آفتاب و باد بدهند . تا هوا سرد است آقا را در اندرون میان اطاق استراحت کنند وقتی که گرم شد دم اطاق تخت بزنند . آقا و دایه روی تخت بخوابند ، مابقی پای تخت روی زمین . انشاء الله تعالی هر ده روز یک مرتبه که ماهی سه مرتبه باشد ارتجالا آقا میرزا علیخان سلامتی آقا و اهل عیال و متعلقین و منعلقات را بلا تعطیل هر دفعه الهی بیست کلمه تلگراف بزند و تنخواه تلگراف را میرزایک بدهد که من منتظر و نگران نمانم .

اول هر ماهی انشاء الله یک راس گوسفند خوب میرزایک بخرد نذر حضرت عباس علیه السلام برای آقا ذبح کنند به فقرا بدهند . شب اول هر ماهی یک تومان شاهی سفید میرزایک بخرد زیر سر آقا کوچک تصدق بگذارند . صبح بدست خود آقا فقرا تقسیم نمایند . اول هر ماهی یکصد من تبریز مهربان ببازوی راست آقا کوچک میرزایک ببندد و بطلب مستحق قسمت نمایند .

ماه دوم بهار انشاء الله به تجویز حکیم باشی آقا کوچولو را از شیر باز کنند به آنطور که اولاً از یک پستان اگر بی صبری نکرد و غصه نخورد از پستان دیگر بعد از سه روز فاصله . والا شیر بخورد تا من مراجعت کنم انشاء الله تعالی . ولیکن از خوراکی و تنقل طفل راستی ندهند اما آنچه حکیم باشی می گوید بی گفته حکیم باشی منقالی از مشروبات و ماکولات نباید در خفا و ملا و پنهان و آشکار اندرون و بیرون به آقا کوچولو دلسوزی بکنند و خوراکی بدهند .

آقا را بهر کجا که می برند پیاده یا سواره منحصر به کوچک خان و بابا قاپوچی نباشد اغلب نوکرها از فراش و غیر چنانچه با من بودند در پس و پیش همراه آقا کوچولو باشند . اگر خدا نکرده علتی ، مرضی عارض شد آنچه را که حکیم باشی منع می کند ، به دایه و آقا پرهیز سخت بدهند و از آنچه که تجویز کرده سختی ندهند فراوان حاضر نمایند . اگر در مزاج طفل یا دایه ، حکیم باشی تجویز خون کرد حجام و سلمانی حاذق بیاورند و در جای معتدل الهوا آنقدر و آن وزنی که حکیم باشی فرموده بلکه در حضور حکیم بخون

بگیرند .

در هوای باران و سرد آقا را بیرون نیاورند و اگر احتیاج شد بدنش را مضبوط از لباس بیوشانند که تصرف هوا نشود انشاء الله تعالی .
 هفته یک روز درب حرم محترم برای سلامتی آقا کوچولو در حضور مبارک حضرت علییه السلام روضه خوانی نمایند . بقیه را، آقا را به خداوند خالق متعال و حضرت سیدالشهداء علیه السلام و ثامن الائمه الاطهار روحی فداه سپردم .

اندرون

انضباط درب اندرون از جمله لوازم است باید عالیشان مشهدی علی قاپوچی خود به نفسه کمال مواظبت و مراقبت و دلسوزی را داشته باشد . اندرون و درب اندرون را بامید ابوالقاسم قاپوچی و غیره نگذارد .

عصمت و عفت کلفتهای من باید در غیاب من زیاده از حضور من باشد . از اندرون صدای حرف دعوا و نزاع آواز خواندن خنده بلند کردن و غیره بیرون نیاید .

کلفت باید بانو کرحرف نزند . صحبت و اختلاط نکند . دم در اندرون نیاید بالای بام بلند و مهتابی و غیره نرود . بیرون باغ به گردش و هوا خوری و میوه خوری نرود . اگر غیر از این بکند و به نصیحت گوش نکند با ما ماذون است چوپ و جوال بیاورد پوست از سرشان بکنند والا برادر مکرم میرزا علیخان باید پوست از سر خود باها بکند و درب اندرون را اینطور که من می نویسم و مضبوط و منظم نماید .

اسمعیل غلام بچه مرخص نیست اندرون برود . زنها هم مرخص نیستند از چهار دیوار اندرون پا بیرون بگذارند . پاپای ترک هم ماذون نیست از درب اندرون به داخل اندرون پا بگذارد هر کاری و حرفی که باشد مشهدی علی قاپوچی خود به اندرون برود بیاید .

جزا شخصی که در فصول راجعه به فرزند رضاقلی خان حفظه الله تعالی اسم برده ام کسی مرخص نیست به اندرون برود و به جز جاهایی که معین کرده ام اهل اندرون نباید جائی بروند . به حرم محترم که مشرف می شوند و به حمام می روند باید با آدم و نوکر متعدد بروند و مراجعت نمایند، نه تنها .

هیچ وقت از شب و روز درب اندرون نباید خالی و بی مستحفظ بماند اعم از اینکه به زیارت و حمام بروند یا در اندرون باشند .

شبه هر دو بابا در اندرون زیر سقف حوض خانه باید به خوابند . شبی هم یک نفر

فراش و یک نفر باغبان به نوبه و کشیک باید درب اندرونی بخوابند الی صبح وقت نماز هر کس به جای خود برود .

کنیز و کلفت از روی دیوار با زنه‌های خانه همسایه ایدا " کاری ، صحبتی ، دوستی

و اختلاطی ندارند ، اگر آنطور چیزها مسموع شود با با قاپوچی مقصراست و مستوجب تنبیه .

باغبان برای گل کاری باغچه اندرونی و تنقیه نهر و حوض و تنظیف حیاط با مشهدی

علی موقتا " روزی چند ساعت مرخص است به اندرون برود کار کند .

باغچه‌های اندرون باید بسته و کاشته و ساخته شود و دور دیوار اندرون از سمت حصیر

باید تنگ هم، گل سرخ و نسترن و مشکچه و گل زرد و مخملی و بیدهای عدل خوب فرش شود

و غفلت از آبش ننمایند .

اگر جائی از اندرون خرابی برساند ، فورا " بعالیجاه آقا مهدی اطلاع بدهند . استاد

صادق معمار باشی بیاید بایسته و معجلا " بسازند . اگر از ایزدو عالیشان تسامحی شد به

عرض حضور مبارک برسانید .

اول ربیع المولود عالیجناب حاجی محمد جعفر را بیاورند یا یکی " دو نفر از اهل

خانه به درب دکان حاجی باتفاق آدم مناسب بروند برای نفری دو دست لباس عید از

این قرار بگیرند : قیمت اجناس را آقای میرزا علیخان قطع کند قبض بدهد تا من مراجعت

کنم انشاء الله تعالی تنخواهش را به حاجی بپردازم .

زیر جامه چیت نمونه لوان اعلاء نفری دو توپ

چهار قدمش (۲۸) خوب نفری دو طاقه

پیراهن سمنقرا اعلاء نفری دو توپ

ار خالق الیچه خوب و پارچه پشمی

یا جنس دیگر نفری دو توپ

چادر نماز چیت نمونه اعلاء نفری یک توپ

مخارج روزانه از این قرار داده شود هر روزه به موجب روزنامه پا به مهر :

برنج	یک من	چراغ روغنی	یک عدد
روغن	یک چارک	چراغ منزل نوکرها	یک عدد
گوشت	نیم من	ذغال اندرون	نیم من

ذغال قهوه خانه بیرون : نیم من	یک چارک :	ماست
تخم مرغ : بقدر حاجت	سه سیر :	پنیر شور
آبغوره و نمک و پیاز و غیره ایضاً	دوسیر :	سکنجبین
	دومن ری :	هیزم
	بقدر حاجت :	سبزی آلات ادویه آلات
		شمع گچی منزل آقا کوچولو : یک عدد
		شمع بیه اطاق کلفت : یک عدد

مخارج ماهیانه از این قرار داده شود . موافق ماهنامه پایه مهر مثل روزنامه :

قند ارسی	: یک من
چای نمسه	: ۲ سیر نیم
صابون رخت شوئی	: سه چارک
کفش زنانه نفری	: یک زوج
جاروب	: چهار دانه
حنای کرمانی	: یک کیسه
تنباکو	: نیم من
میانه غلیان و سرغلیان	: یک عدد

وقت آمدن چهار کله قند ارسی و یک گروانگه چای و دو من تنباکو، قدری شمع گچی ، قدری صابون ، یک کوزه رب انار ، قدری نبات به گوهر باجی تحویل شده است . هر وقت که آنها تمام شد گوهر باجی اظهار می دارد و به تفصیل فوق از قرار روزنامه روز بروز و ماه به ماه خریداری شده به توسط بابا تحویل گوهر باجی شود .
مجموعه شام نهار (کذا) از اندرون از این قرار گرفته شده وقت نهار وقت شام ، به توسط بابا قاپوچی در ظرفهای پاکیزه و بعد از صرف شام ، نهار بلا عیب به مطبخ اندرون ظروف تحویل شود .

شام بیرون

نهار بیرون

پلویاچلو : یک دوری

پلویاچلو یک دوری

خورش	: یک ظرف	خورش	: یک ظرف
آبگوشت	: یک ظرف	دوغ	: یک کاسه
آش یک ظرف	: یک ظرف	نان	: دودانه
شربت	: یک ظرف	نهار اندرون	: بشرح نهار بیرون
دوغ	: یک ظرف	شام بشرح	: ایضا
پنیر	: یک ظرف		
ماست	: یک ظرف		
بورانی یا کوکو	: یک ظرف		
نان	: سهدانه		

وقت آمدن ده تومان نقد را برای خورده مخارج که تنگی نگشند به گوهر باجی داده ام . اگر خرج کردند به آقای میرزا علیخان سیاه خرج بدهند . هر گاه ده تومان بطور حسابی خرج شد و تمام شد و محتاج به پول شدند البته میرزا بیک به گوهر باجی تنخواه نقد به حواله میرزا علیخان بدهد که چشم و دل کلفت من سیر باشد .

اگر در بیرون یا اندرون مهمانی برسد و زیاده از اینقدر لازم شود بعسرت نگذرانند زیادی داده شود تهیه نمایند . و اگر کمتر ضرور شد از خرج کسر بگذارند اختیار به آقای میرزا علیخان و گوهر باجی است .

عصر که می شود علیجاه میرزا حسینقلی در کمال دقت بطور معمول روزنامه خرج را بنویسد بابا پای آنرا مهر کند . حاشیه را آقای میرزا علیخان صحه بگذارد . حواله کند میرزا بیک تنخواه بدهد روزنامه را ضبط کند .

برای مخارج هم اگر وجوه ابوالجمعی میرزا بیک کمی کرد روزی از یک تومان الی پنج هزار دینار میرزا بیک قبض بنویسد . میرزا علیخان حاشیه را تصدیق بنویسد . عالیجاه علی اکبر خان قبوض را ضبط کند که با من محسوب دارد و تنخواه بدهد .

کلفتها باید با یکدیگر کمال مهربانی ، دوستی و محبت را داشته باشند . ایدا" با هم جنگی ، نزاعی ، قال و قیلی نداشته باشند که باعث رنجش باطنی و افسردگی من است . هر گاه خدا نکرده کسی مریض شود عالیجناب حاجی میرزا محمد علی حکیم باشی را فوراً بیاورند . از دوا و غذا بهیچوجه مضایقه نشود .

اگر احتیاطاً به طبیب دیگر هم بواسطه طول مرض احتیاج شد البته حکیم دیگر هم بیاورند .

و اگر خدا نخواست ، خدا نخواست که انشاء الله نصیب نشود به حق حضرت علیه السلام

کسی فوت شد . به عرض برسانند تمامی نوکرهای جناب مستطاب عالی روحی فداه و خودمان و عالیجاه دربانباشی کل را خبر کنید در کمال عزت و احترام هر چه تمامتر بر دارید در صحن مقدس مدفن قرار دهید. از خیرات و فاتحه و نمازوحشت و روضه خوانی و خوانچه‌های جلو عماری و غیره و غیره بهیچوجه فروگذار ننمائید .

مقرب الحضرت التولیه برادر مکرم مهربان میرزا علیخان موافق تکالیفی که معین شده همه روزه بلا تعطیل حاضر شده بدستور العمل مقرر عمل خواهد کرد . عالیجنابان محامد نصابان آقا میرزا عبدالرحمن و آقا شیخ حسن کمال همراهی را در کارهای ایشان خواهند نمود .

عالیجاه میرزا حسینقلی همه روزه حاضر شده جمیع نوشتجات تولیتی و نیابت خاصه و نوشتجات و اسناد و قبوض و محاسبات متعلقه بگود سلوک و باغ آصف الدوله و سالاروامر نظارت و تحویل‌داری و جمع و خرج و غیره را نوشته کتابچه و ثبت و دفتر کرده کل محاسبات و نوشتجات را منقح و پاک و پاکیزه نگاهدارد و منتهای صداقت و امانت را بکاربرد و همراهی و اطاعت را به میرزا علیخان داشته باشد .

میرزا بیک به همانطورها که مقرر است از تکالیف خود غفلت نکند . میرزا علیخان راز خودش راضی نگاه دارد . خدمت و صداقت را موجب ترقی بداند که اول شرط نوکری است والا خبط و خطا کرد .

میرزا محمد علی باید طوری مراقب امر آبدارخانه و قهوه‌خانه و مواظب جای و قهوه‌خانه و مواظب جای و قهوه‌و غلیان و خدمت مجلس باشد که اسباب روسفیدی من باشد علی‌الخصوص در مجالس روضه خوانی و انشاء الله تعالی خدمت را موجب از دیاد محبت من و رضایت میرزا علیخان را شرط اکمل بداند .

روزها نوکرها باید بالتام حاضر باشند ، سرسالارها و باغبانها و ضابط ده و غیره آنی از خدمت غافل نشوند و همیشه حاضر خدمت باشند . در کارهای مقرر موافق دستورالعمل رفتار نمایند . هر یک که خدمت کردند و میرزا علیخان را راضی داشتند و مرا خوشنود داشتند البته محبت و خلعت و انعام خواهند دید و الا میرزا علیخان ماذون است که تنبیه حتی اخراج نماید .

شبهها پیش خدمت آبدار ، قهوه‌چی ، باغبان ، فراش ، باید همه به نوبه پنجگانه کشیک داشته باشند و به همانطورها که معمول بود در فصول گذشته دستورالعمل مقرر است عمل نمائید هر یک که تخلف نمود و موافق نوشته من و رضای خاطر میرزا علیخان نشد البته مقصراست و باید آن ماه را بالتام از مواجب و جیره و شام و نهار محروم باشد حتی اگر میرزا علیخان صلاح و لازم دید اخراج نماید .

روزهای پنجشنبه البته روضه خوانی را ترک نکنید و نظم و رونق مجالس را هم از رئیس و مرئوس منظور دارند نگذراند عیبی نقصی ، اسباب خفتی فراهم آید .
والا مباشرین را که خلاف و خیانت کردند باید عوض نمائید و آبرو را حفظ کنید .
آبدار خانه و قهوه خانه را از این قرار ماهانه بدهید و بطور روزنامه کارخانه فرد پایه مهر به مهر آبدار و قهوه چپی ضبط و تنخواهش را حواله میرزا بیک نمایند تکلیف نهارشام در فصل اندرون گذشت .

قند ماهانه	(به سیاق) یک من و سی سیر
قند جهت روضه خوانی چهارشب جمعه	: نیم من
چای اعلا	: یک گروانکه ۶ سیر
تنباکو	: دو من (ماهانه ۱ من و نیم تنباکوروضه
	: نیم من)
میانه غلیان	: دو عدد
ذغال در فصل اندرون گذشت	: ۱۵ من
ذغال روضه خوانی	: ۴ من
دستمال آبدارخانه	: یک کلاغه
نارنج	: ۳۰ دانه (اگر نباشد به همین جهت آبلیمو)
قهوه	: یک تومان
چراغ در فصل اندرون گذشت	: —
هیزم بخاری اگر ضرور شود روز بروز بقدر حاجت	: —
چراغ اطاق اگر لازم شد بقدر ضرورت	: —
جاروب فراشخانه	: ۴ عدد
جاروب اطاق	: ۲ عدد
بیخ اگر ضرور باشد و پیدا شود	: بقدر حاجت

طاق بیرون نباید خراب و ضایع باشد . هر روز بخوبی و درستی باید پاک و پاکیزه نمایند . اگر زبیل (۳۰) و پر خاک شد حکما فراش خلوت را تنبیه نمایند .
اسباب از قبیل سماور زیر سماور ، پیاله ، نعلبکی ، اسباب دیگر چای ، سوزنی پای سماور ، قاشق ، صافی قندان ، لاله فلزی ، سرغلیان چینی ، سرغلیان فیروزه ، آفتابه

(۳۰) — زبیل یعنی : کشیف و زباله

لگن ، اسباب قهوه‌خوری ، روی فرشی ، فرش ، پرده ، کاسه بشقاب ، ابخوری ، سفره^۴ چرمی ، سفره^۵ چیت ، ظروف کارخانه ، مسینه آلات کارخانه ، سینی زیر فنجان چای کوچک و بزرگو و غیره و غیره بالتمام بقدر ضرورت موافق کتابچه که همراه است تحویل گوهر باجی و قدری دربیرون تحویل میرزا محمد علی شده است . باید از شأن مجلس و منزل من ذره کاسته نشود والا مسامحه و بی قیدی از شخص میرزا علیخان است .

روز هر اسبابی که ضرور می شود و بیرون می آید باید موافق تعیین و تحویل باشد . شب اسباب بالتمام درست و بی عیب به گوهر باجی تسلیم شود در بیرون نماند اگر کسی چیزی بشکند یا تلف کند و بدزد بدهد باید بی حرف غرامت و عوض بدهد . به من دخلی ندارد و اسباب منزل نباید ناقص بماند .

آدم از این قرار باید نگاهدارید . هر قدر که کم است نوکر جدید البته گرفته شود که عدد ناقص نماند و اسباب معطلی نشود .

پیشخدمت	: یک نفر	کوچک خان
فراش خلوت	: یک نفر	میرزا بیک
فراش	: سه نفر	
آبدار قهوه‌چی	: دو نفر	میرزا حسینقلی
باغبان	: چهار نفر	غلام بچه
قاپوچی	: دو نفر	

آدم من نباید شرارت و هرزگی و عمل بد داشته باشد و نباید با یکدیگر هم جنگ و نزاع و هنگامه داشته باشند اگر چنین چیزها دیده و شنیده شد من اینطور آدم ندارم .
موجب نوکر را که تا سلخ محرم الحرام ۱۲۹۴ داده‌ام تا سه ماه موجب داده نمی‌شود .

حساب جمع و خرج مباشرین مرا روزی یکدفعه تفریح نمائید . اگر تنخواه ندارد فوراً" قبض کرده از عالیجاه علی اکبرخان دریافت و تسلیمش نمائید که بی پول نماند و اگر تنخواه علاوه از پنج تومان در نزد تحویلدار جمع شد فوراً" گرفته تسلیم علی اکبر خان نموده قبض رسید دریافت دارید .

قبوض شما که به عالیجاه علی اکبر خان حواله می‌شود و تحویل میرزا بیک یا غیر می‌نمائید باید زیاده از یک تومان نباشد هم چنین مخارج مقرر راهم روز به روز به مباشرین برسانید یک جایی لازم نیست و راضی نیستم که تنخواه من پیشی در نزد کسی بماند .

در وقت صدور بروات دیوان و بروات آستانه مقدسه پانصد تومان موجب دیوانی و یکصد و پنجاه تومان و چهل خروار غله موجب آستانه مرا برات صادر کرده و عده نزدیک و به جای سریع الوصول حواله بنویساید .

قبوض که نوشته شده است هر یک را در موقع خود به عالیجاه علی اکبر خان داده تنخواه دریافت نمائید و به صاحبانش برسانید انشاء الله تعالی .

روزنامه وتلگراف و نوشتجات مفصل و غیر مفصل شما از طهران و عرض راه از من قطع نشود پشت سرهم دیگر برسد علی الخصوص سلامتی فرزندی رضا قلیخان .

میرزا بیک سیاهه و قبوض یکصد و چهل و دو تومان و پنجهزارمخارج روز حرکت از مشهد را که تحویل او شد معجلا" در ضمن نوشتجات به طهران نزد من بفرستد .

عالیجاه میرزا حسنقلی صورت حساب و جمع و خرج میرزا بیک را که شب آخرالی صبح نوشته شد پاکنویس کرده نزد من روانه دارد .

قبوض جنس تحویلی کربلائی حسن ضابط را انشاء الله تعالی جمع آوری کرده خواهم فرستاد که تحویل میرزا بیک نموده قبض معتبر دریافت دارید . سفارش حفظ وضبط اجناس را به سختی به کربلائی حسن بکنید .

سایرفقرات متدرجا" در ضمن نوشتجات انشاء الله تعالی شما و آقا کوچولو و کلفتها و نوکرها و دوستان و آشنایان را در زیر سایه حضرت اجل اکرم روحی فداه به خداوند و حضرت علیها السلام سپردم . التماس دعا از همه دارم .

در قریه میاندشت بسطام و شاهرود امشب پنجشنبه دهم صفر المظفر ۱۲۹۴ (۱۸۷۶) به

سمت اختتام یافت .